

## بررسی حکم فقهی زیارت امام حسین علیه السلام، مبانی و آثار حقوقی مترتب بر آن<sup>۱</sup>

سید علی ربانی موسویان<sup>۲</sup>

### چکیده

در خصوص حکم فقهی زیارت حضرت سیدالشهدا علیه السلام میان فقها دو دیدگاه اصلی وجود داشته که خود قابل انقسام به اقوالی است و فرض وجوب زیارت آنحضرت نیز متفرع بر مسائل متعدد فقهی است از جمله حکم تحصیل استطاعت و جواز هزینه از بیت المال جهت مخارج سفر زیارت. تحقیق حاضر با روش توصیفی و تحلیلی دیدگاه فقهاء در مورد این موضوع را بازنگری نموده و با بررسی ادله فقهی مخصوصا با تکیه بر یکی از مهمترین منابع قدیمی و اصلی در این زمینه بر اساس ادله ای که از جهت سندی هیچ ضعف و خللی نداشته باشد، تلاش نموده تا حکم واقعی موضوع را استنباط کند و بر اساس آن به فروع مطروحه پاسخ دهد. پس از ایراد چهار قول متفرع بر دو دیدگاه اصلی و نقد سه مورد از آنها قول چهارم یعنی فریضه بودن زیارت به شیوه ای جدید با بیان ده دلیل مورد دفاع و تقویت قرار گرفت. و در نهایت به این نتیجه رسید که با ظهور بلکه نصوص روایات موثوق الصدور بلکه صحیح السندی که هر فقیهی با هر مبنائی که داشته باشد براساس چنین ادله ای در سایر موارد فتوا به حلال و حرام الهی میدهد، وجوب زیارت آن حضرت ثابت است. بنابراین تمامی احکامی که بر موضوعاتی که حکم آنها واجب است در حقوق موضوعه و قوانین مدنی و جزائی بار میشود میتواند بر عنوان زیارت آنحضرت نیز بارگردد مانند عدم جواز شرط خلاف اتیان آن در ضمن عقود معین. **کلید واژه ها** : زیارت امام حسین (ع)، کامل الزیارات، حکم زیارت، وجوب زیارت، آثار حقوقی.

<sup>۱</sup> - تاریخ دریافت: ۱۱ آبان ۱۴۰۰، تاریخ پذیرش: ۲۸ اسفند ۱۴۰۰.

<sup>۲</sup> - استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلامشهر، ایران.

### مقدمه

امام حسین (علیه السلام) خامس اهل کساء و از اهل بیت گرامی پیامبر مکرم اسلام (صلوات الله علیه و آله)، است که بخش زیادی از قرآن کریم در مدح آنها نازل شده و عظمت و جایگاه و شخصیت و مصائب ایشان در روز عاشورا به گونه ای تجلی یافته که هیچ روزی در تاریخ مانند روز او نبوده<sup>۳</sup> و فعل او در آن روز به کیفیتی بوده که حقّ احیاء کلمه توحید یافته و حقّ ابقاء زحمات انبیاء گذشته و تضمین هدایت، هدایت جویان را درآینده به عهده گرفته و این علاوه بر ویژگیهای اسرار آمیزی است که بین او و خدای اوست و اینها باعث شده تا سید الشهداء و متعلقاتش احکام خاص و منحصر به فردی را به خود اختصاص داده و از سایر اولیاء متمایز گردد. از جمله جعل امامت در ذریه وی، جعل شفاء در تربت وی، اجابت دعاء تحت قبه وی، اتمام خواندن نماز در حائر وی، جواز جزع و فزع و استحباب بکاء بلند و شدید و لطمه به خود و ... در مصائب وی، افضلیت سجود بر خاک کربلای وی، استحباب دفن در جوار وی و بالاخره اختصاص بهترین ایام و لیالی سال به زیارت ایشان و افضل اعمال معرفی نمودن محبت و معرفت و بکاء و زیارت ابا عبد الله (ع) در لسان ائمه هدی از فرزندان و جدّ وی. انگیزه اختصاصات ایشان در کلام معصومین (ع) و روایات فوق تواتر در فضیلت زیارت آن حضرت موجب شد تا تحقیق حاضر با روش تحلیلی و توصیفی و با ابزار کتابخانه ای و فیش برداری به منابع معتبر حدیثی رجوع نموده و مخصوصاً یکی از مهمترین و موثّق ترین منابع روائی شیعه یعنی کتاب شریف کامل الزیارات مرحوم ابن قولویه استاد شیخ مفید را مورد استقراء تام قرار داده و با نگاهی به سایر منابع و با استخراج روایاتی که از جهت سندی هیچ ضعف و خللی نداشته باشند - به طوریکه هر فقیهی با هر مبنایی که داشته باشد بر مبنای آن روایات فتواء دهد - در مورد حکم واقعی زیارت امام حسین علیه السلام بررسی کامل نموده و در نهایت حکم حقیقی آن را استنباط نماید.<sup>۴</sup>

<sup>۳</sup> امام مجتبی (ع) در پیشگویی شهادت برادرشان امام حسین (ع) فرمودند: "لایوم کیومک یا ابا عبد الله" روزی مثل روز تو نیست. (امالی، شیخ صدوق، ص ۱۷۷؛ المهلوف علی قتلی الطفوف، سید ابن طاووس، ص ۹۹)

امام سجاد علیه السلام نیز میفرماید: لایوم کیوم الحسین علیه السلام (امالی، شیخ صدوق، ص ۵۴۷)

<sup>۴</sup> اعتبار اسناد روایات کامل الزیارات: نویسنده این کتاب جناب ابی القاسم جعفر بن محمد بن جعفر بن موسی بن قولویه القمی معروف به ابن قولویه متوفی ۳۶۷ تا ۳۶۹ هـ.ق می باشد. که با این وصف زمان غیبت صغری و ابتدای غیبت کبری حضرت بقیه الله الاعظم صاحب الزمان (علیه السلام) (والصلاه) را درک کرده است. وی شاگرد ثقه الاسلام کلینی و استاد شیخ مفید است. نجاشی در فهرست خود ابن قولویه را اینگونه وصف و توثیق می کند: "أنه من ثقات اصحابنا و اجلائهم فی الفقه والحديث. و نیز می فرماید: کل ما یوصف به الناس من جمیل و فقه فهو فوقه و له کتب حسان" نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۳۱۸) جناب شیخ در فهرست خود تصریح بر وثاقت او دارد (شیخ طوسی، ۱۳۷۱، ص ۱۴۱) چنانکه نص بروثاقت او در الوجیزه و البحار و بلغة الرجال و مشترکات فخرالدین طریحی و مشترکات کاظمی و وسائل و منتهی المقال و ... موجود است و آنقدر جلالت و وثاقت در نزد رجالیون دارد که نیاز به توضیح ندارد و امر او اظهر من الشمس است، شیخ جعفر سبحانی در رجالش در رابطه با کتاب کامل الزیارات می فرماید: و کتابه هذا من اهم کتب الطائفة و اصولها المعتمد علیها فی الحديث، این کتاب او از مهمترین کتب شیعه و از اصلی ترین کتبی است که در حدیث بر آن اعتماد می شود و شیخ در تهذیب و دیگران از محدثین از آن نقل کرده اند و از مصادر شیخ حرّ عاملی در وسائل است و قرائن بسیاری بر ثبوت این کتاب و علم به صحت نسبت این کتاب به مؤلفش می باشد و نام کتاب او را نجاشی و شیخ در فهرست خود آورده اند (سبحانی، ۱۴۲۳، ص ۳۰۰) و خود جناب ابن قولویه در مورد این کتاب و روایات و روایتی که از آنها در این کتاب نقل می کند چنین می فرماید: ولم اخرج فیه حدیثاً روی عن غیرهم إذا کان فیما روینا عنهم من حدیثهم (صلوات الله علیهم) کفایه عن حدیث غیرهم، و قد علمنا أن لا نحیط بجمع ما روی عنهم فی هذا المعنی و لافی غیره و لکن ما وقع لنا من جهة الثقات من اصحابنا - رحمهم الله برحمته - و لا اخرجت فیه حدیثاً روی عن الشذاد من الرجال یؤثر ذلک عنهم عن المذكورین، غیرالمعروفین بالروایة، المشهورین بالحديث والعلم، و سمّیته کتاب "کامل الزیارات" و فضلها و ثواب ذلک (همانجا) عدهای از علماء از عبارات مذکور این برداشت را کرده اند که تمامی کسانی که در اسناد احادیث کامل الزیارات می باشند ثقه هستند چنانکه شیخ حرّ عاملی در فائده ششم در خاتمه کتابش می فرماید تصریحی که در وثاقت روایات این کتاب است از تصریحی که جناب علی بن ابراهیم بر وثاقت روایات احادیث تفسیرش کرده بیشتر است. (حرّ العاملی، ۱۴۱۴، ج ۲۰، ص ۶۸) ما حداقل برداشتی که از این عبارات می توان کرد چنانکه محدث نوری در خاتمه مستدرک خود در دو جا به این مطلب اشاره دارد این است که: این عبارات نصّ دارد بر توثیق تمام کسانی که در صدر سند احادیث این کتاب می باشند و فی الجمله دلالت بر توثیق تمامی مشایخ ایشان دارد. (نوری، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۵۲۳ و ۵۲۳ و ۷۷۷)

## مفهوم شناسی زیارت

از مراجعه به منابع متعدد به دست می آید زیارت در لغت به معنای دیدار همراه با قصد و آهنگ و میل به چیزی یا کسی است. اگر کسی است، شخص بزرگ و محترمی است و اگر مکانی است جای مقدس و متبرکی است. بنابراین عملی عبادی است و به منظور کسب فیض انجام می گیرد. فقهاء در ابواب مختلف فقهی مانند طهارت، حج و نذر از آن سخن گفته اند و برخی بزرگان نیز کتاب مستقلی در باب زیارت تألیف نموده اند از جمله مزار ابن قولویه، مزار مفید، مزار ابن مشهدی. زیارت از ریشه ((زور)) به معنای عدول و مایل شدن از چیزی به چیزی دیگر است. (ابن فارس، ۱۹۷۹، ذیل واژه زور) چنانچه در سوره کهف نیز به همین معنای میل پیدا کردن آمده است. و تری الشمس اذا طلعت تزاور عن كهفهم ذات الیمین، و گردش آفتاب را چنان می بینی که هنگام طلوع از سمت راست غار آنها تمایل پیدا می کند. (کهف/۱۷) اصل در زیارت، حضوری و از نزدیک است و این مطلب از خود واژه زیارت قابل استفاده است. زیرا ((الزور)) به معنای سینه و استخوان بالای سینه است و به همین جهت است که از ملاقات سینه به سینه و رو در رو تعبیر به زیارت می شود. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۳۸۶) روایات نیز در وهله نخست بر زیارت از نزدیک تأکید می ورزد و بر رفتن به سوی مشاهد مشرفه آثار عظیمه ای مترتب نموده و برای آن آداب مشروحه ای ذکر فرموده است. از نظر عرف نیز زیارت یعنی قصد شخص مزور مشروط بر اینکه از روی اکرام و احترام صورت گیرد و با وی انس پذیرد. (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۳۲۰) بنابراین زیارت معنایی اخص از مطلق دیدار و ملاقات داشته و مقید به قیودی است از جمله: قصد و اراده مزور را نمودن از روی شوق و رغبت، تمایل به مزور پیدا کردن و عدول و روی گردانی از غیر او، و حضور همراه با حفظ اکرام و احترام مزور و انس با او و چنین زیارتی است که طبق حدیث نبوی زائر را اگر در سفر زیارت خود از دنیا رود مصداق مهاجر الی الله میگرداند (ابن قولویه، ۱۳۸۱، ص ۱۳)

## بررسی حکم فقهی زیارت امام حسین (ع)

از مباحث بسیار مهم اعتقادی شیعه بحث زیارت به ویژه زیارت امام حسین (ع) است به طوریکه محدثین بزرگ شیعه از صدر تا ذیل از محمدون ثلاث در کتب اربعه و سایر کتب روایی خود گرفته تا مرحوم شیخ حر عاملی و مرحوم علامه مجلسی و بعد از آنها همگی باب یا ابواب متعددی را به این موضوع اختصاص می داده اند. اکثر علماء مذهب با استناد به احادیث موجود و موثق به اهمیت این موضوع پرداخته اند و با توجه به اینکه در این روایات تعبیر بسیار عجیبی وجود دارد و خود ائمه بر این زیارت تأکیدات ویژه ای میکرده اند و گاهی به صراحت کلمه وجوب و فرض را در مورد آن به کار برده اند، ذهن پژوهشگر را متوجه موضوعی فراتر از یک حکم عادی می نماید و این پرسش تداعی میشود که حکم واقعی این زیارت چه میتواند باشد؟ چرا که چنین تعبیراتی در مورد زیارت سایر مشاهد مشرفه وارد نشده بلکه برخی از این تعبیر در مورد هیچ عمل مستحبی به کار نرفته است.

## مسائل متفرع بر حکم زیارت حضرت سیدالشهداء علیه السلام

با فرض وجوب زیارت آنحضرت احکام متعددی بر آن مترتب می گردد که هر یک در جای خود قابل بررسی است. از جمله مسائل متفرع بر حکم وجوب زیارت، حکم تحصیل استطاعت جهت زیارت آنحضرت در شرایط ویژه است و دیگری حکم امکان استفاده از بیت المال جهت تأمین هزینه سفر زائر است. در مورد فرع اول باید گفت اگرچه نصی بر وجوب تحصیل استطاعت جهت زیارت در دست نداریم اما میتوان از قرائن موجود در روایات چنین حکمی را استنباط نمود. اهمیت این زیارت تا حدی است که در مواردی که امکان زیارت از نزدیک برای امام معصوم نسب به قبر مطهر جدبزرگوارشان سیدالشهدا را نداشته اند هزینه سفر زیارت دیگران را تأمین می کرده و از جانب خود به زیارت ارسال می کرده اند و زیارت آنحضرت را بر غنی و فقیر واجب دانسته اند و حتی در موارد خوف طریق نیز بر آن تشویق کرده و آن را مانع رفتن به زیارت آنحضرت ندانسته اند. بنابراین روایات، استطاعت مالی و حتی

ایمنی کامل طریق در انجام این تکلیف شرط نشده است و می توان آن را واجبی مطلق دانست مگر در صورتیکه شخص استطاعت تحصیل استطاعت را نیز نداشته باشد. اما در مورد فرع دوم از طرفی محل مصرف بیت المال، مصالح عمومی مسلمین است و از سوی دیگر کدام مصلحت بالاتر از زیارتی که موجب جلب رضایت خدا و رسول و دعای صدیقه کبری و اهل بیت و استغفار ملائکه و جلب رزق و روزی و انواع خیرات و برکاتی که لاتعد و لاتحصی است و قدر آن را فقط خدا می داند، و در یک کلام موجب جلب تمام خیرات میگردد که ((کل الخیر فی باب الحسین علیه السلام)) و شعیره و مصلحتی است که موجب بقاء مکتب و حیات مذهب است و تمام اصول و فروع دین مدیون صاحب آن و زنده از احیاء آن می باشد. بنابراین شکی باقی نمی ماند که حتی در صورتی که حکم به استحباب زیارت آنحضرت شود از آنجا که از افضل قربات الهی است و موجب رشد و سعادت معنوی جامعه را فراهم میآورد، باز هم عنوان مصالح مسلمین به آن تعلق می گیرد و می توان کمک هزینه این سفر را مخصوصا برای کسانی که استطاعت مالی نداشته یا در شرایط سخت اقتصادی برای عموم از طریق یارانه های منظور شده در وسائل عمومی، روادید، عدم اخذ خروجی و مالیات های مربوطه، اعطای ارز دولتی و غیره فراهم نمود. مطابق روایات هر دره می که به امام برسد (در راه امام خرج شود) مانند هزار هزار دره می است که در راه حج خرج شود و این درحالی است که هر دره می در راه حج خرج شود از هزار هزار دره می که در سایر وجوه خیر هزینه شود برتر است. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۲۶۰) البته اگر حکم به استحباب زیارت شود آنگاه در صورت تراحم و عدم کفاف بودجه بیت المال، باید توسط فقیهی آشنا با امامت و امام شناس مورد اهم مصرف تشخیص داده شود. به عنوان نمونه دفاع از اصول عقائد مذهب حقه و پاسخ به شبهات مخالفین جهت تقویت قلوب ایتام آل محمد (صل الله علیه و آله) می تواند در اولویت قرار بگیرد چه آنکه اهمیت حریم اهل بیت از حرم آنها بیشتر است مانند آنکه امر دائر شود بین اینکه شخصی به زیارت حضرت رود یا از این شبهه که بتوان کسی را با آن حضرت مقایسه کرد نجات یابد، که؛ (لایقاس بآل محمد احد)، از آنجا که طبق احادیث درجات شیعیان به میزان معرفت آنها به اهل بیت وابسته است نه کمیت عبادات آنها بنابراین بی شک هزینه کردن جهت تعیلم این اصل از الف بای امام شناسی در رسانه های عمومی مانند صدا و سیما بر هزینه رفتن بدون معرفت اولی است. چه آنکه در برخی روایات به جهت رعایت نکردن حرمت زیارت آن حضرت - که ناشی از عدم معرفت لازم به ساحت مقدس ایشان و حرم مطهر آنحضرت بوده- وارد شده لاتزورون خیر من ان تزورون، زیاره نکنید بهتر از زیارت کردن است! (ابن قولویه، ۱۳۸۱، ص ۴۲۵)

### دیدگاه ها در رابطه با حکم فقهی زیارت امام حسین (ع)

#### ۱- قول به استحباب

نظر عده ای از فقها استحباب موکد است. علامه حلی در التذکره میفرماید: "تستحب زیاره الحسین علیه السلام." (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۸، ص ۴۵۳) و در المنتهی میفرماید: "و فی زیارته فضل کثیر." (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۸۹۲) صاحب جواهر نیز حکم زیارت آن حضرت را مستحب میدانند اما نه هر مستحبی، بلکه میفرماید استحباب زیارت امام حسین علیه السلام چنان تاکید شده که از ضروریات مذهب بلکه دین میباشد: "بل تأکد استحبابها من ضروریات المذهب أو الدین." (نجفی، ۱۴۱۲، ج ۲۰، ص ۹۵) عده زیادی از فقها نیز متعرض این مساله نشده و در مورد حکم آن سکوت کرده اند.

## ۱-۲- قول به وجوب

این قول نیز به سه دیدگاه دیگر قابل انقسام است.

### ۱-۲-۱- قول به وجوب عینی

میتوان ادعا کرد اکثر محدثین قائل به وجوب زیارت آنحضرت بوده اند زیرا دأب آنها مخصوصا قدما مانند شیخ صدوق و ثقه الاسلام کلینی بر این بوده که کتب روایی آنها به منزله فتاوی آنها بوده و خود تصریح کرده اند آنچه در کتابشان نقل کرده اند بین خود و خدایشان حجت میباشد. و همانطور که گذشت بسیاری از محدثین ما باب یا ابوابی را به فضائل زیارت آن حضرت از جمله باب یا احادیثی را تحت عنوان وجوب زیارت امام حسین (ع) اختصاص داده اند. از جمله: شیخ مفید در کتاب المزار باب ۹ را با عنوان "وجوب زیاره الحسین علیه السلام" آورده و تصریح به وجوب فرموده است و در باب ۱۰ هم روایتی را به عنوان میزان وجوب آن بر غنی و فقیر می آورد که بر غنی سالی دوبرار و بر فقیر سالی یکبار واجب است. همچنین در ارشاد می فرماید: روایات بسیاری داریم در فضیلت زیارت ایشان بلکه در وجوب آن. (شیخ مفید، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۱۲۷)

مرحوم ابن قولویه در کامل الزیارات چندین باب در این موضوع آورده که در طول مباحث به آنها اشاره خواهیم کرد، از جمله عنوان باب ۴۳ کتاب ایشان چنین است: "ان زیاره الحسین علیه السلام فرض و عهد لازم له و لجمیع الائمة علیهم السلام علی کل مومن و مومنه". از نظر ایشان دائره وجوب زیارت وسیع تر بوده و اختصاص به زیارت امام حسین (ع) ندارد بلکه زیارت همه ائمه معصومین (ع) را دربر میگیرد. از جمله فقهائی که قائل به وجوب زیارت آن حضرت میباشند مرحوم صاحب حدائق است. وی در حدائق میفرماید: "الاخبار فی فضل زیارته علیه السلام مستفیضه و الظاهر فی کثیر منها الوجوب و الیه یمیل کلام بعض اصحابنا و لیس بذلک البعید." (بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۱۷، ص ۴۳۴) مجلسی اول که خود قائل به وجوب زیارت آن حضرت است در روضه المتقین، حکم وجوب زیارت امام حسین علیه السلام را به جماعتی از فقها شیعه نسبت میدهد و از عبارت وی برمی آید که قائلین تعداد زیادی بوده اند زیرا در مقابل قول آنها میفرماید طایفه ای هم قائل به وجوب زیارت تمامی ائمه علیهم السلام و لو یک بار در عمر بوده اند. (مجلسی، ۱۴۰۶، ۵، ۳۷۶) مجلسی ثانی در تحفه الزائر روایات را ظاهر در وجوب میدانند. (علامه مجلسی، ۱۳۸۶، ص ۲۲۱ و ۲۲۲) و در بحار بابی دارد با عنوان "ان زیارته صلوات الله علیه واجبه مفترضه مأمور بها و ما ورد من الذم و التائب و التوعد علی ترکها و انها لا تترک للخوف" (علامه مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۸، ص ۱) آنگاه پس از ذکر روایات این باب چنین نتیجه گیری میکند که اکثر روایات این باب ظهور در وجوب زیارت آن حضرت دارد بلکه از بزرگترین واجبات و موکدترین آنهاست. و سپس میفرماید: پدر مرحوم علامه نیز مایل به قول به وجوب یک بار در عمر در صورت توانایی بوده است. (علامه مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۸، ص ۱۰) از ظاهر کلام صاحب ریاض نیز وجوب استفاده میشود. وی میفرماید: "و تاکد فی الحسین علیه السلام بل ورد ان زیارته فرض علی کل مومن." (طباطبائی، بی تا، ج ۷، ص ۱۶۷) شیخ حسین آل عصفور بحرینی [از اعلام قرن ۱۲ و ۱۳] در سداد العباد میفرماید: "و تجب زیاره الحسین علیه السلام علی الرجال و النساء." (آل عصفور، ۱۴۲۱، ص ۴۰۴) و در کلام معاصرین نیز فتوا به وجوب زیارت آن حضرت مشاهده میگردد. اصطهباناتی در کتاب نورالعین پس از اینکه بیان می دارد اکثر روایات این باب، ظهور در وجوب زیارت آن حضرت دارد مانند علامه مجلسی تاکید میکند: "بل کونها من اعظم الفرائض و أكدها." (اصطهباناتی، ۱۴۳۲، ص ۱۷)

### ۱-۲-۲- قول به وجوب کفائی

مرحوم شیخ حرّ عاملی در وسائل الشیعه بابی در وجوب زیارت می آورد و در این باب تعبیر به کفائی بودن وجوب زیارت آن حضرت مینماید. (حرعاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۴، ص ۴۴۳) ایشان در کتاب هدایه الامه بعد از اینکه جمعی از روایات باب وجوب زیارت را ذکر میکنند؛ میفرماید: "تجب زیاره الحسین علیه السلام و الائمه علیهم السلام کفایه لما مرّ." (حرعاملی، ۱۴۱۲، ج ۵، ص ۴۸۰) از مرحوم محدث قمی نیز نقل شده قائل به این قول بوده اند. (عراقی، ۱۴۲۸، ص ۴۰) همچنین از استفتائی که از آیت الله سیستانی شده چنین استنباط میشود که ایشان نیز قائل به وجوب کفائی زیارت آن حضرت میباشد.<sup>۵</sup>

### ۱-۲-۳- قول به وجوب در زمان حضور امام علیه السلام

از مرحوم آخوند خراسانی نقل شده است که ایشان قول به وجوب و استحباب زیارت آن حضرت را اینگونه جمع نموده است که اخباری که دلالت بر وجوب میکند، حمل بر وجوب اقتضائی میشود و غیبت حضرت صاحب الزمان علیه السلام مانع از فعلیت این وجوب میگردد که به زودی با طلوع شمس ولایت آن حضرت از وجوب اقتضائی به وجوب فعلی ارتقاء خواهد یافت. در واقع شأن زیارت حضرت سیدالشهداء مانند سایر واجباتی است که در زمان غیبت، وجوب عینی آنها برداشته شده است [مانند نماز جمعه و عیدین]. (عراقی، ۱۴۲۸، ص ۴۴) البته ما برای این جمع هیچ وجهی نیافتیم.

### ادله وجوب زیارت امام حسین (ع)

عمده ادله وجوب زیارت امام حسین (ع) روایاتی از معصومین است که بالغ بر چهل حدیث می باشند این احادیث از نظر دلالتی قابل تقسیم به ده نوع اند که در ادامه نمونه هایی از هر نوع به قدر کفایت به همراه بررسی سندی و دلالتی آنها بیان میشود.

### نوع اول روایات: روایات متضمن امر به زیارت

روایت اول؟ امّ سعید احمسیّه نقل کرده امام صادق (ع) به من فرمودند: ای امّ سعید آیا قبر حسین بن علی (ع) را زیارت میکنی؟ عرض کردم: بلی، فرمودند: به زیارت آن قبر مطهر برو زیرا زیارت قبر حسین (ع) بر مردان و زنان واجب است. (ابن قولویه، ۱۳۸۱، ص ۳۹۵)<sup>۶</sup>

<sup>۵</sup> ایشان در پاسخ به این سوال که زیارت رسول خدا افضل است یا زیارت سیدالشهداء علیه السلام؟ پاسخ میدهند: رسول خدا افضل خلاق است لذا زیارتشان نیز افضل زیارت میباشد اما گاهی عنوان خاصی بر برخی زیارت عارض میگردد که موجب میشود آن زیارت فضیلت دیگری یابد بلکه چه بسا به حد واجب کفائی برسد. (سیستانی، سیدعلی، استفتانات، ص ۴۰۸، رقم السؤال ۱۶۱۰)

در این خصوص شیخ باقر القرشی میفرماید: ان زیاره ریحانه الرسول و سید شباب اهل الجنه فرض من الله تعالی و واجب علی عباد و ذلك لعظیم ما قدمه الامام علیه السلام من التضحیات التي لم یقدمها احد من اولیاء الله تعالی فی سبیل دینه. (قرشی، باقر شریف، زیارت الحسین علیه السلام نصر لاسلام، ص ۵۹-۶۰)

<sup>۶</sup> حدیثی محمد بن جعفر الرزاز قال حدیثی محمد بن الحسین بن ابی الخطاب عن داود المسترق عن ام سعید الاحمسیه عن ابی عبد الله (ع) قالت قال لی یا ام سعید تزورین قبر الحسین (ع) قلت نعم فقال لی زوریه فان زیاره قبر الحسین (ع) واجب علی الرجال و النساء

<sup>۷</sup> بررسی سند روایت: محمد بن جعفر الرزاز: آیت الله خوئی تصریح به وثاقت او فرموده است. (خوئی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۱۷۳ و ج ۲۱، ص ۲۱۰). محمد بن الحسین ابی الخطاب: از بزرگان و نامداران شیعه و دارای کتب بسیار، و بسیار ثقه و مورد اطمینان است (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۳۳۴). ابو داود المسترق: آقای خوئی در مورد وی میفرماید: شکی در وثاقت او نیست. (خوئی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۲۶۳ و ۲۶۴). امّ سعید احمسیّه: از کسانی است که جناب ابن ابی عمیر از او روایت کرده پس به شهادت شیخ الطائفه که تمام کسانی را که ابن ابی عمیر و بزنی و صفوان از آنها روایت میکنند، توثیق فرموده از آنها به مشایخ الثقات تعبیر میشود (شیخ طوسی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۳۸۶) وثاقت او ثابت میشود.

روایت دوم: <sup>۸</sup> محمد بن مروان میگوید، از حضرت اُبی عبد الله (ع) شنیدم که میفرمود: حسین (ع) را زیارت کنید اگر چه در هر سال باشد، زیرا هر کس به زیارتش رود در حالیکه به حق آن حضرت عارف بوده و منکر آن نباشد غیر از بهشت هیچ عوض دیگری ندارد و روزی و رزقش وسعت پیدا میکند و در همین عالم خداوند متعال درازای زیارتی که کرده به او درد دنیا فرح و سرور قابل ملاحظه ای می دهد. جماعتی از اصحاب از سعد بن عبد الله، از محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، از حسن بن محبوب به اسنادش مثل همین حدیث را نقل کرده اند. (ابن قولویه، ۱۳۸۱، باب ۶۱، ص ۴۹۶)<sup>۹</sup>

روایت دیگری نیز <sup>۱۰</sup> از عامر بن عمیر و سعید اعرج<sup>۱۱</sup> از حضرت ابی عبد الله (ع) نقل شده که آنحضرت فرمودند: در هر سال یکبار به زیارت قبر امام حسین (ع) بروید. (ابن قولویه، ۱۳۸۱، باب ۹۸، ص ۸۸۹)<sup>۱۱</sup>

بررسی دلالتی روایات نوع اول: با توجه به اینکه در روایات مذکور، صیغه امر به کار رفته و صیغه امر، ظهور در وجوب دارد شکی نمی ماند که این دسته از روایات صحیح السند با عنایت به اینکه معارضی هم ندارند به تنهایی برای اثبات وجوب زیارت آن حضرت کافی می باشند.

### نوع دوم روایات: روایات متضمن امر به امر به زیارت

روایت اول <sup>۱۲</sup>: محمد بن مسلم از حضرت ابو جعفر (ع) نقل کرده که آن جناب فرمودند: شیعیان ما را امر کنید که به زیارت قبر حضرت حسین بن علی (ع) بروند زیرا زیارت آن حضرت بر هر مؤمنی که اقرار به امامتش از جانب خداوند عزوجل دارد فرض و واجب می باشد. (ابن قولویه، ۱۳۸۱، ص ۳۹۶)<sup>۱۳</sup>

<sup>۸</sup> حدیثی الحسن بن عبد الله بن محمد عن ابيه عن الحسن بن محبوب عن صباح الحداء عن محمد بن مروان عن ابي عبد الله (ع) قال سمعته يقول زوروا الحسين (ع) و لو كل سنه فان كل من اتاه عارفاً بحقه غير جاحد لم يكن له عوض غير الجنة و رزقاً واسعاً و آتاه الله من قبله بفرح [بفرح] عاجل و ذكر الحديث و حدیثی جماعه أصحابنا عن سعد بن عبد الله عن محمد بن الحسين بن ابی الخطاب عن الحسن بن محبوب بأسناده مثله سواء.<sup>۹</sup> بررسی سند روایات: حسن بن عبد الله بن محمد بن عیسی: او شیخ بلاواسطه ابن قولویه است اکثریت نقل ابن قولویه از او به عنوان اکتار نقل ثقه، آن هم ثقه ای مثل ابن قولویه که همه بزرگان محدثین مثل شیخ مفید، شیخ صدوق و شیخ طوسی از او از حسن بن عبد الله نقل کرده اند، خود دلیل محکمی بر وثاقت حسن بن عبد الله بن محمد است. (نمازی شاهرودی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۴۲۴). عبد الله بن محمد بن عیسی الأشعری: وثاقت از او عدم استثنائش توسط ابن ولید از رجال نوادر الحکمه ثابت میشود و شیخ صدوق هم در این توثیق از استادش ابن ولید تبعیت فرموده و نجاشی نیز توثیق ابن ولید را پذیرفته است. (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۳۴۸). حسن بن محبوب: از اصحاب اجماع است که همه بر وثاقتش اتفاق نظر دارند. (خوئی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۸۹ و ۱۰۶ و ج ۲۳، ص ۱۸ و ۱۰۲). صباح الحداء: از بزرگان شیعه است و نجاشی او را توثیق فرموده است. (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۲۰۱). محمد بن مروان الدهلی: بین بزرگان معروف و ثقه و مورد اطمینان است. (خوئی، ۱۳۷۲، ج ۱۷، ص ۲۱۶، ۲۲۸ و ۲۲۱).<sup>۱۰</sup> حدیثی اُبی رحمه الله عن سعد بن عبد الله عن احمد بن محمد بن عیسی عن علی بن الحکم عن عامر بن عمیر و سعید الأعرج عن ابي عبد الله (ع) قال اتوا قبر الحسين (ع) فی كل سنه مره

<sup>۱۱</sup> بررسی سند روایت: محمد بن قولویه: اکتار نقل ابن قولویه از پدرش شکی در وثاقتش باقی نمیگذارد. (خوئی، ۱۳۷۲، ج ۱۵، ص ۱۷۰، ج ۱۶۷ و ۱۶۷، ج ۲۳، ص ۱۳۳ و ۱۴۱). سعد بن عبد الله اشعری: شیخ طائفه و فقیه و در نهایت وثاقت است. (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۱۷۷). احمد بن محمد بن عیسی اشعری: فقیه شیعه و در نهایت وثاقت است. (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۸۲). علی بن حکم: پس به طرق متعدده وثاقتش ثابت است. (خوئی، ۱۳۷۲، ج ۱۱، ص ۳۸۱ و ۳۹۵). سعید الأعرج: از بزرگان و مورد وثاقت است. (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۱۸۱ و ...) اما عامر بن عمیر چون با سعید اعرج در یک طبقه است نیاز بر توثیق آن نداریم.

<sup>۱۲</sup> حدیثی اُبی و محمد بن الحسن بن متیل و قال محمد بن الحسن و حدیثی محمد بن الحسن الصفار جميعاً عن احمد بن ابی عبد الله البرقی قال حدثنا الحسن بن علی بن فضال قال حدیثی ابو ایوب ابراهیم بن عثمان الخزاز عن محمد بن مسلم عن ابی جعفر (ع) قال مروا شیعتنا بزیاره قبر الحسين فان ایتانه مفترض علی كل مؤمن یقر للحسين (ع) بالامامه من الله عزوجل.

<sup>۱۳</sup> بررسی سند روایت: محمد بن قولویه: وثاقتش در بحث از روایت سوم نوع اول گذشت. محمد بن الحسن بن احمد بن ولید: با اثبات وثاقت ابن قولویه نیازی به اثبات وثاقت او نداریم اگر چه وثاقت او اظهر من الشمس است. (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۳۸۳). حسن بن متیل: از بزرگان و ثقه و مورد اطمینان در نزد رجالین است. (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۴۹). محمد بن الحسن الصفار: ثقه و عظیم القدر و بی نیاز از توصیف است. (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۳۵۴). احمد بن ابی عبد الله برقی: از رجال تفسیر قمی و ثقه است. (خوئی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۳۴). حسن بن علی بن فضال: شکی در وثاقتش نیست. (خوئی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۴۴ و ۷۹ و ج ۱۶، ص ۳۳۵ و ج ۲۳، ص ۱۵۷ و ۱۶۴). ابراهیم بن عثمان خزاز ابو ایوب: از بزرگان و ثقات شیعه است. (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۲۰). محمد بن مسلم: بزرگی مقام و وثاقتش اظهر من الشمس است. (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۳۲۴) این روایت سند های معتبر دیگری هم دارد که از جمله آنها حدیث اول باب ۶۱ کامل زیارات است.

روایت دوم<sup>۱۴</sup>: عبد الملک خثعمی نقل میکند، حضرت ابی عبد الله (ع) به من فرمودند: ای عبد الملک زیارت حسین بن علی (ع) را ترک مکن و یاران و اصحاب را به آن امر فرما زیرا حق تعالی بواسطه آن عمر تو را طولانی کرده و روزی و رزقت را واسع میفرماید در حال حیات سعید و سعادت مندت نموده و نخواهی مُرد، مگر سعید و تو را در زمره سعاداء می نویسد. (ابن قولویه، ۱۳۸۱، باب ۶۱، ص ۴۹۷) ۱۵

### بررسی دلالتی نوع دوم روایات: غرض در امر به امر زیارت به چند نحو می تواند باشد

- ۱) اگر غرض به خود امر دوم تعلق گرفته باشد چنانکه برخی در مورد امر به امر پدر نسبت به نماز فرزندان، فرمودند: نمی توان استفاده و جوب کرد. (خراسانی، ۱۴۱۵، ص ۲۴۴)
- ۲) اگر غرض به خود فعل مأمور به تعلق گرفته باشد مثل: آنچه که در آیه شریفه "بلغ ما انزل الیک من ربک"، آنچه را از پروردگارت به تو نازل شده است به مردم برسان" (مائده / ۶۷) مراد است.
- ۳) یا غرض به فعل حاصل از انبعاث از امر دوم تعلق گرفته باشد، در این دو صورت می توان از آن استفاده و جوب نمود.

آنچه که وجه دوم و سوم را تقویت میکند فهم عرف است که امر را تنها طریقی به مطلوب بودن خود فعل میداند و تمام نظر امر را به خود فعل و وجود مصلحت در آن میداند نه در امر به فعل. (خوئی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۲۶۴-۲۶۶) بر فرض که وجه اول را در مورد عبادات نابالغ بپذیریم، اما در بحث ما که امر به امر شیعیان به زیارت است هیچ قرینه ای برای پذیرش این وجه نیست، پس آنچه که عرف و عقلاء از این امر می فهمند چیزی جز وجوب زیارت نیست. آنچه در بحث ما این نظر را تقویت میکند، نهی از ترک زیارت قبل از این امر در روایت دوم است. بلکه مقرون نمودن امر به لفظ "مفترض" در روایت اول و فرض نمودن زیارت بر همه مؤمنان، آن هم با لفظ "کل مؤمن" که برای عموم استغراقی وضع شده و ضمیمه نمودن این ها با هم موجب صراحت روایت در واجب بودن زیارت بر همه مؤمنان می گردد.

### نوع سوم روایات: روایات متضمن فرض و وجوب زیارت بر همه مؤمنان

نمونه احادیث این نوع از روایات در دو نوع گذشته ذکر گردید. یکی روایت اول نوع اول که در آن از زیارت آن حضرت تعبیر به "واجبه علی الرجال و النساء" شده بود و دیگری روایت اول نوع دوم که در آن تعبیر به "مفترض علی کل مومن" شده بود. در این مضمون روایات دیگری نیز وارد گشته از جمله: ابن ابی عمیر، از ابو ایوب از

<sup>۱۴</sup>. حدیثی ابی (ره) و جماعه مشایخی (ره) عن سعد بن عبد الله عن احمد بن محمد بن عیسی عن احمد بن محمد بن ابی نصر عن بعض اصحابنا عن ابان عن عبد الملک الخثعمی عن ابی عبد الله (ع) قال قال لی یا عبد الملک لا تدع زیاره الحسین بن علی (ع) و مر اصحابک بذلک یمد الله فی عمرک و یزید الله فی رزقک و یحیی الله سعیداً و لا تموت إلا سعیداً [شهیداً] و یکتب سعیداً

<sup>۱۵</sup>. بررسی سند روایت: محمد بن قولویه: إکنار نقل ابن قولویه از پدرش است و شکی در وثاقتش باقی نمیگذارد. (خوئی، ۱۳۷۲، ج ۱۵، ص ۱۷۰ و ج ۱۷، ص ۱۶۷ و ج ۲۳، ص ۱۳۳ و ۱۴۱). سعد بن عبد الله اشعری: شیخ طائفه و فقیه و در نهایت وثاقت است. (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۱۷۷). احمد بن محمد بن ابی نصر بن زنی: از اصحاب اجماع و وثاقتش مورد اتفاق است. (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۱۷۷). بعض اصحابنا: به شهادت شیخ الطائفه که بن زنی جز از ثقه روایت نمیکند. (شیخ طوسی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۳۸۶). ابان چه ابان بن عثمان باشد و چه ابان بن تغلب شکی در وثاقتش نیست. (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۱۰، خوئی، ۱۳۷۲، ص ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۵۷). عبد الملک الخثعمی: مرحوم نجاشی او را توثیق فرموده است. (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۲۳۹) روایات دیگری نیز در این باب موجود است. (ر.ک: من لایحضر الفقیه، ج ۲، ص ۵۸۲ و ...)



حضرت ابی عبد الله (ع) نقل میکند، آن حضرت فرمودند: بر عهده غنی است در سال دومرتبه و بر فقیر است که در سال یک مرتبه به زیارت قبر امام حسین (ع) بروند.<sup>۱۶</sup> (ابن قولویه، ۱۳۸۱، باب ۹۸، ص ۸۸۸)

روایات دیگری نیز در این باب وارد شده: عبد الرحمن بن کثیر از حضرت ابی عبد الله (ع) نقل کرده که آن جناب فرمودند: اگر یکی از شما طول دهر و عمرش را به حج رفته ولی به زیارت حسین بن علی (ع) نرود حتماً و محققاً حقی از حقوق خدا و حقوق رسول خدا (ص) را ترک کرده است زیرا حق حسین (ع) فریضه و تکلیفی است از جانب خداوند که بر هر مسلمانی واجب میباشد.<sup>۱۸</sup> (ابن قولویه، ۱۳۸۱، ص ۳۹۶ و شیخ طوسی، ۱۴۱۷، ج ۶، ص ۴۲) قال الصادق (ع): زیاره الحسین بن علی (ع) واجبه علی کل من یقرّ للحسین بالامامه من الله عزوجل (شیخ مفید، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۱۳۳). (د. عن احدهما (ع) انه قال: یا زراره ما فی الارض مومنه الا و قد وجب علیها ان تسعد فاطمه (ع) فی زیاره الحسین (ع) (مهدی پور، ۱۳۹۲، ص ۲۸)

در این روایات با مترادف های ماده "امر" مانند "جوب"، "فرض" و "حق علی" در قالبهای مختلف مانند فریضه، مفترض، وجب، واجبه و حق علی، تصریح به وجوب زیارت آن حضرت شده است. تصریح به واجب بودن زیارت بر همه مردها و زن ها، به نحو عموم وضعی مستفاد از جمع محلی به الف و لام و به خصوص تأکید واجب و فریضه بودن زیارت بر همه مؤمنان به نحو عموم وضعی مستفاد از لفظ "کل مؤمن" شکی در وجوب زیارت باقی نمی گذارد.

### نوع چهارم روایات: روایات متضمن موجب عاق و تارک حق واجب خدا و رسول شدن در اثر ترک زیارت

روایت اول:<sup>۱۹</sup> صفوان بن مهران جمال از حضرت ابی عبد الله (ع) در ضمن حدیثی طولانی چنین نقل کرده: محضر مبارکش عرض کردم: کسی که به زیارت حضرت سید الشهداء (ع) برود و سپس برگردد چند وقت بعد دو مرتبه به زیارت عود کند؟ و در چند روزی دیگر به زیارت رود و مردم تا چه حد میتوانند زیارت حضرت را ترک کنند؟ حضرت فرمودند: بیش از یک ماه نمیتوانند آن را ترک کنند و اما کسانی منزلشان دور است در هر سه سال یک مرتبه باید به زیارتش بروند و اگر سه سال تجاوز نمود و به زیارت آن حضرت نروند رسول خدا (ص) را آزرده و از خود مطرود ساخته و حرمت آن جناب را قطع و هتک نموده مگر علت و سببی داشته باشد. (ابن قولویه، ۱۳۸۱، ص ۸۹۶)<sup>۲۰</sup>

<sup>۱۶</sup> حدیثی جعفر بن محمد بن ابراهیم الموسوی عن عبید الله [عبد الله] بن نهیک عن محمد بن ابی عمیر عن ابی ایوب عن ابی عبد الله (ع) قال حق علی الغنی ان یاتی قبر الحسین (ع) فی السنه مرتین و حق علی الفقیر ان یأتیه فی السنه مره

<sup>۱۷</sup> بررسی سند روایت: جعفر بن محمد ... موسوی: شیخ بلاواسطه مرحوم ابن قولویه است که حتی اگر توثیق عام ابن قولویه را خدشه دار کنیم باز هم شیوخ بلاواسطه اش بدون اشکال موثق اند. عبد الله بن نهیک: بسیار راستگو و ثقه است. (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۲۳۲). محمد بن ابی عمیر: بی نیاز از توثیق و از اصحاب اجماع است. (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۳۲۶ و ۳۲۷). ابو ایوب ابراهیم بن عیسی الخزاز: جلیل القدر و ثقه است. (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۲۰).

<sup>۱۸</sup> عبد الرحمن بن کثیر مولی ابی جعفر (ع) عن ابی عبد الله (ع) قال لو أن أحدکم حجّ دهره ثم لم یزر الحسین بن علی (ع) لکان تارکاً حقاً من حقوق الله و حقوق رسول الله (ص) لأن حق الحسین (ع) فریضه من الله واجبه علی کل مسلم.

<sup>۱۹</sup> حدیثی ابی رحمه الله عن احمد بن ادریس و محمد بن یحیی عن العمرکی بن علی البوفکی قال حدیثنا یحیی و کان فی خدمه ابی جعفر القانی (ع) عن علی عن صفوان بن مهران الجمال عن ابی عبد الله (ع) فی حدیث طویل قلت له من یأتیه زائراً ثم ینصرف متی یعود الیه و فی کم یوم یؤتی و کم یسع الناس ترکه قال لا یسع اکثر من شهرٍ و أما بعید الدار ففی کل ثلاث سنین فما جاز ثلاث سنین فلم یأتیه فقد عرق رسول الله (ص) و قطع حرمته إلا من علیه.

<sup>۲۰</sup> بررسی سند روایت: محمد بن قولویه: إكثار نقل ابن قولویه از پدرش شکی در وثاقتش باقی نمیگذارد. (خوئی، ۱۳۷۲، ج ۱۵، ص ۱۷۰ و ج ۱۷، ص ۱۶۷ و ج ۲۳، ص ۱۳۳ و ۱۴۱). احمد بن ادریس: فقیه ثقه و بزرگوار است. (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۹۲). محمد بن یحیی العطار: از بزرگان شیعه و ثقه است. (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۳۵۳). العمرکی البوفکی: ثقه است. (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۳۰۳). یحیی خادم: اکتار نقل شیخ بزرگواری مثل بوفکی از او موجب یقین به وثاقت او می شود. (شاهرودی، ۱۴۱۵، ج ۸، ص ۲۰۱) به خصوص که همه بزرگان به روایات بوفکی از او اعتماد کرده اند. علی بن

روایت دوم: علی بن میمون می گوید از امام صادق شنیدم اگر یکی از شما هزار حج هم انجام دهد اما به زیارت قبر حسین علیه السلام نرود باز هم حقی از حقوق خدا را ترک نموده و فرمود: حق حسین علیه السلام بر هر مسلمانی واجب است.<sup>۲۱</sup> (ابن قولویه، ۱۳۸۱، باب ۷۸، ص ۶۳۴)

دلالت روایات: این دسته از روایات، زیارت حضرت سید الشهداء (ع) را از حقوق واجب الهی و نبوی دانسته و آن را موجب عاق کردن رسول خدا (ص) و قطع رحم و ارتباط با آن حضرت دانسته که بدون شک تمامی این موارد مصداق بارز کبائر بوده و پرهیز از آنها در نتیجه اتیان زیارت آن حضرت واجب خواهد بود.

### نوع پنجم روایات: روایات متضمن عامل حسرت قیامت و دخول در آتش شدن ترک زیارت

به نحوی که اگر داخل بهشت هم بشود جایگاهش پائین تر از مؤمنان است و بلکه مهمان اهل بهشت است و خودش جایگاهی در بهشت ندارد.

معاویه بن وهب از حضرت ابی عبد الله (ع) نقل کرده: امام (ع) فرمودند: ای معاویه به خاطر ترس و خوف زیارت امام حسین (ع) را ترک مکن زیرا کسی که آن را ترک کند چنان حسرتی بخورد که آرزو کند قبر آن حضرت نزدش باشد و بتواند زیاد به زیارتش برود آیا دوست داری که خدا تو را درزمره کسانی ببیند که رسول خدا (ص) و حضرات علی و فاطمه وائمه (ع) در حق شان دعا فرموده‌اند.<sup>۲۲</sup> (ابن قولویه، ۱۳۸۱، ص ۳۸۳) ۲۳

دلالت روایت: خدای متعال حسرت در قیامت را نتیجه غفلت و بی ایمانی به شمار آورده است. (مریم/ ۳۹) و کسی که از پیامبر پیروی نکند، ظالمی به شمار آورده که دست خود را از حسرت گزیده و اعتراف به گمراهی می‌کند (فرقان/ ۲۷ و ۲۹) و به کوتاهی اقرار می‌کند با آنکه عذاب را پیش روی خود میبیند و آرزوی بازگشت به دنیا را دارد، در حالیکه به او گفته می‌شود: بازگشتی نیست، به تحقیق که آیات من برای تو ارائه شده، پس تو آنها را تکذیب نمودی و به استکبار و کفر دچار شدی. (زمر/ ۵۵-۶۰) این در حالی است که در روایات اهل بیت (ع) تعبیری که از نتیجه ترک زیارت امام حسین (ع) از روی بی رغبتی شده "الحسره یوم الحسره" می‌باشد. (ابن قولویه، ۱۳۸۱، ص ۶۳۵) حسرت روز قیامت در اثر ترک زیارت حضرت سید شهداء (ع) بدون عذر موجه از آنجایی است که بر اساس روایات صحیح السند زیارت آن حضرت موجب سعید شدن شقی می‌گردد. (قلت: ما لمن اتی قبر الحسین (ع)؟ قال: ... و ان کان شقیاً کتب سعیداً و لم یزل یخوض فی رحمہ اللہ عزوجل (ابن قولویه، ۱۳۸۱، ص ۵۴۳) و زائر سعادت مند چنان مورد اکرام قرار خواهد گرفت که مورد غبطه همه اهل محشر می‌گردد (قال الصادق (ع): ما من احد یوم القیامه الا و هو یتمنی انه زار الحسین بن علی (ع) لما یری لما یصنع بزوار الحسین بن علی (ع) من کرامتهم علی اللہ. (حرعاملی، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۴۲۴). روشن است ترک آنچه موجب سعادت و اقدام به آنچه

الحکم: موثق است. (خوئی، ۱۳۷۲، ج ۱۱، ص ۳۸۱ و ۳۹۳ و ۳۹۵). صفوان بن مهران: موثق است. (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۱۹۸) این روایت به چند سند دیگر نیز نقل شده است. (ابن قولویه، ۱۳۸۱، باب ۲۸ ج ۱۸، باب ۴۴ ح ۲، باب ۹۸ ح ۱۷)

<sup>۲۱</sup> عن علی بن میمون، قال: سمعت ابا عبد الله یقول: لو ان احدکم حجّ الف حجه ثم لم یات قبر الحسین بن علی (ع) لکان قد ترک حقا من حقوق الله تعالی. و سئل عن ذلك فقال: حقّ الحسین (ع) مفروض علی کلّ مسلم.

<sup>۲۲</sup> حدّثنی اَبی و علی بن الحسین و جماعه مشایخنا عن احمد بن ادریس و محمّد بن یحیی جمیعاً عن عمرک بن علی البوفکی عن یحیی خادم ابی جعفر الثانی (ع) عن ابن اَبی عمیر عن معاویه بن وهب قال: استأذنت علی اَبی عبد الله (ع) یا معاویه! لا تدع زیاره الحسین (ع) لخوف فإن من ترکه رأی من الحسره ما یتمنی أن قبره کان عنده! أما تحبّ أن یری الله شخصک و سوادک فی من یدعو له رسول الله و علی و فاطمه و الأئمه (ص)؟ أما تحبّ أن تكون ممن ینقلب بالمغفره و لیس علیه ذنب تتبّع له؟ ...

<sup>۲۳</sup> بررسی سند روایت: محمّد بن قولویه: [کنار نقل ابن قولویه از پدرش شکی در وثاقتش باقی نمیگذارد. (خوئی، ۱۳۷۲، ج ۱۵، ص ۱۷۰ و ج ۱۷، ص ۱۶۷ و ج ۲۳، ص ۱۳۳ و ۱۴۱). ابن بابویه: بی نیاز از توثیق است. (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۲۶۱). احمد بن ادریس: فقیه بزرگوار و ثقة است. (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۹۲). محمّد بن یحیی العطار: از بزرگان شیعه و ثقة است. (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۳۵۳). عمرکی البوفکی: ثقة است. (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۳۰۳). یحیی خادم: اکنار نقل شیخ بزرگواری مثل بوفکی از او موجب یقین به وثاقت او میشود. (شاهرودی نمازی، ۱۴۱، ج ۸، ص ۲۰۱)

موجب حسرت قیامت است حرام بوده و نتیجه ای جز دخول در آتش ندارد، مضمونی که در مثل احادیث ذیل تأیید شده است.

هارون بن خارجه می گوید از امام صادق (ع)، سؤال کردم از حال کسی که بدون علت ترک کند زیارت قبر امام حسین (ع) را. فرمود که: چنین کسی از اهل جهنم است.<sup>۲۴</sup> (ابن قولویه، ۱۳۸۱، باب ۷۸، ص ۶۳۳ و علامه مجلسی، ۱۳۸۶، ص ۲۱۷) <sup>۲۵</sup>

### نوع ششم روایات: روایات متضمن عامل نقصان ایمان و خروج از مذهب شدن با ترک زیارت

روایت اول<sup>۲۶</sup>: محمد بن مسلم میگوید: حضرت ابو جعفر (ع) فرمودند: هر کس از شیعیان ما که به زیارت قبر حضرت امام حسین (ع) نرود ایمان و دینش ناقص بوده و اگر داخل بهشت شود در مقامی پایین تر از مؤمنین باشد. (ابن قولویه، ۱۳۸۱، ص ۶۳۱) <sup>۲۷</sup>

روایت دوم<sup>۲۸</sup>: از امام محمد باقر (ع) منقول است: هر که خواهد بداند که او از اهل بهشت است، عرضه کند محبت ما را بر دل خود؛ اگر قبول کند مؤمن است. و هر که دوست ما است باید رغبت کند در زیارت قبر امام حسین (ع)، زیرا که هر که زیارت کننده آن حضرت است ما او را دوست اهل بیت (ع) میدانیم و از اهل بهشت است و هر که زیارت کننده آن حضرت نیست ایمانش ناقص است. (علامه مجلسی، ۱۳۸۶، ص ۲۱۷؛ ابن قولویه، ۱۳۸۱، باب ۷۸، ص ۶۳۲ و ۶۳۳) <sup>۲۹</sup>

بررسی دلالت روایت: بر اساس این دسته از روایات کسی که به زیارت حضرت سید الشهداء علیه السلام نرود ناقص الدین و الایمان است به تعبیر دیگر از زمره مومنین خارج است لذا ورودش به بهشت مورد تردید قرار گرفته و با (ان) بیان شده و می فرماید اگر هم وارد گردد در درجه ای غیر از درجه مومنین و پایین تر از آنها خواهد بود. واضح است که غیر از مومنین کسی جز مستضعفین وارد بهشت نمی شود و این حدیث روشن می سازد زیارت حضرت حسین بن علی (علیهم السلام) از نشانه های ایمان است لذا در روایات دیگر آن را نشانه محبت اهل بیت معرفی نموده که ایمان نیز چیزی جز حب اهل بیت نیست. نکته قابل توجه در این روایات این است که نشانه مومن

<sup>۲۴</sup> حدیثی ابی و جماعه مشایخی عن احمد بن ادریس عن العمرکی بن علی البوفکی - عن حدیثه - عن صندل عن هارون بن خارجه عن ابی عبد الله قال سألته عن ترک الزیارة زیارة قبر الحسین بن علی من غیر علی قال هذا رجل من أهل النار.

<sup>۲۵</sup> در مورد توثیق رجال سند این حدیث تا "عن حدیثه" در احادیث گذشته سخن رفت می ماند که دو نفر دیگر: یکی از آنها صندل است که از رجال ابن ابی عمیر است لذا به شهادت شیخ، ثقة است (شیخ طوسی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۲۸۶) و دیگری هارون بن خارجه است که به شهادت نجاشی وی نیز ثقة می باشد (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۴۳۷).

<sup>۲۶</sup> حدیثی الحسن بن عبد الله عن محمد بن عیسی عن ابیه عن الحسن بن محبوب عن عاصم بن حمید الحنط عن محمد بن مسلم عن ابی جعفر (ع) قال قال من لم یأت قبر الحسین (ع) من شیعتنا کان منتقص الایمان منتقص الدین و إن دخل الجنة کان دون المؤمنین فی الجنة.

<sup>۲۷</sup> بررسی سند روایت: حسن بن عبد الله بن محمد بن عیسی: وثاقتشان در بحث از روایت دوم از نوع اول ثابت شد. حسن بن محبوب: از اصحاب اجماع است که همه بر وثاقتش اتفاق نظر دارند. (خوئی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۸۹ و ۱۰۶ و ج ۲۳، ص ۱۸ و ۱۰۲). عیسی بن عبد الله: جلیل القدر و ثقة است. رجالی بزرگ مرحوم کشی وی را ثقة دانسته. (خوئی، ۱۳۷۲، ج ۱۳، ص ۱۹۶). عاصم بن حمید الحنط: جلیل القدر و ثقة است. (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۳۰۱). محمد بن مسلم: بزرگی مقام و وثاقتش اظهر من الشمس است. (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۳۲۴)

<sup>۲۸</sup> و باسناده عن سیف بن عمیره عن ابی بکر الحضرمی عن ابی جعفر (ع) قال سمعته یقول من أراد أن یعلم أنه من أهل الجنة فیعرض حینا علی قلبه فإن قلبه فهو مؤمن و من کان لنا محباً فلیرغب فی زیارة قبر الحسین (ع) فمن کان للحسین (ع) زوراً عرفناه بالحب لنا أهل البيت و کان من أهل الجنة و من لم یکن للحسین زوراً کان ناقص الایمان

<sup>۲۹</sup> بررسی سند روایت: محمد بن قولویه: اکتار نقل ابن قولویه از پدرش شکی در وثاقتش باقی نمیگذارد. (خوئی، ۱۳۷۲، ج ۱۵، ص ۱۷۰ و ج ۲۳، ص ۱۳۳ و ۱۴۱). علی بن الحسین بن موسی بن بابویه: بی نیاز از توثیق است. (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۲۶۱). سعد بن عبد الله اشعری: شیخ طائفه و فقیه و در نهایت وثاقت است. (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۱۷۷). احمد بن محمد بن عیسی: از بزرگان شیعه و موثق است. (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۸۲) و پدرش نیز: از بزرگان شیعه و از رجال تفسیر قمی علیه الرحمة و نزد بزرگان موثق است (خوئی، ۱۳۷۲، ج ۱۷، ص ۸۶ - ۱۱۰ و ۱۲۳). سیف بن عمیره: از ثقات راویان شیعه است. (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۱۸۹). ابوبکر الحضرمی: عبد الله بن محمد: امامی ثقة است. (خوئی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۲۹۶ و ج ۲۱، ص ۶۸)

را صرف یکبار بار زیارت کردن نمی داند بلکه زوآر بودن را به صیغه مبالغه آن هم از روی میل و اشتیاق نشانه ایمان دانسته است.

### نوع هفتم روایات : روایات متضمن وجوب زیارت بر زنان

این روایات دو دسته اند :

۱) روایاتی که با الفاظ عام شامل مردان و زنان ، دلالت بر وجوب زیارت بر زن ها میکند، مثل: روایت اول از نوع دوم که از "کل مؤمن" و "شیعتنا" استفاده شده همچنین در روایت دوم از نوع دوم که از "اصحابک" استفاده شده است و به عموم وضعی شامل همه زن های مؤمنه میشود . ۲) روایاتی که تصریح به لفظ زن شده، مثل روایت اول از نوع اول.

بررسی دلالت روایت : بدون شک در اسلام ، بسیاری از تکالیف از زن ها برداشته شده و سفارش زیادی به رعایت حال زن ها و عدم تحمیل کارهای دشوار بر آنها شده است "فإن المره ریحانه و لیست بقهرمانه!" (نهج البلاغه، نامه ۳۱) از سوی دیگر تأکید بسیاری به حضور حداقلی زن ها در معرض دید نامحرمان در جامعه و پوشش حداکثری آنها شده "وقرن فی بیوتکن و لا تبرجن تبرج الاهیة الاولى" (الاحزاب/ ۳۳) ، به نحوی که نماز جماعت در مسجد که از مهمترین و با فضیلت ترین اعمال مردان است فضیلتش بیشتر از نماز فرادای زن در خانه اش نیست بلکه این نماز فرادای از نماز جماعتش در مسجد افضل است (شهید ثانی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۳۸) و جهاد مرد که از بزرگترین واجبات است فضیلتش بیشتر از شوهر داری نیکوی زن و صبر او در برابر اذیت یا غیرت شوهرش نیست! (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۹) از سوی دیگر از نوحه خوانی زن ها و شرکت آنها در مجالس زن های نوحه خوان نهی شده است. (حرعاملی، ۱۴۱۴، ج ۲۰، ص ۱۸۱)

در نتیجه وجوب حیا و ستر و عفاف بر زن ها نه تنها جائی برای هیچ مستحب مزاحمی باقی نمی گذارد بلکه بر واجبات مزاحم هم مقدم است حال زیارت ابی عبد الله (ع) در چه مرتبه ای از وجوب باید باشد که این گونه بر زن ها سفارش شده است که از خانه هایشان خارج شوند و سختی ها و مشقت ها و ترس از تلف و ضرر مالی و جانی و آبرویی را به جان بخرند و بخل و جمع کردن مال را کنار بگذارند و هر چه هزینه زیارت است صرف نمایند و به زیارت در خانه اکتفاء نکنند و نوحه خوانی ای که به حدی از آن نهی شده که اگر مردی همسرش را از رفتن به مجلس نوحه خوانی زنی نهی نکند مستحق آتش است (همان)، همین نوحه خوانی برای ابی عبد الله (ع) برای زنی که زائر او است از بزرگترین اعمال شود به نحوی که موجب خشنودی امام صادق (ع) شود و بفرماید : بلغنی أن قوماً یأتونه من نواحی الکوفه و ناساً من غیرهم و نساء یندبنه... الحمد لله الذی جعل فی الناس من یفد إلینا و یمدحنا و یرثی لنا و جعل عدونا من یطعن علیهم من قرابتنا و غیر هم یمهدونهم و یقبجون ما یصنعون ؛ به من خبر رسیده گروهی از اطراف کوفه و دیگران به زیارتش (امام حسین علیه السلام) رفته اند و زنان بر او ندبه (و نوحه خوانی) کرده اند. سپاس خدایی را که در میان مردم کسانی را قرار داده که بر ما (اهل بیت) وارد می شوند و مدح ما می کنند و بر ما مرثیه می خوانند و دشمنان ما را کسانی قرار داده که بر این گروه طعنه می زنند و آنها را تهدید می کنند و اعمالشان را زشت و قبیح می شمارند. (ابن قولویه، ۱۳۸۱ ، باب ۱۰۸، ص ۹۷۷) خلاصه با آنکه امور بسیار مهمی در شرع مانند جهاد و نیز امور مهم دیگری چون نماز و روزه در ایام خاصی بر زنها واجب نیست، ولی زیارت امام حسین (ع) به طور مطلق و بی هیچ قیدی در روایات واجب شمرده شده است.

## نوع هشتم روایات: روایات متضمن ارجحیت زیارت در شرایط ترس از ضرر و تلف جانی و ملامت مخالفین

روایاتی که ترس از ضرر و بلکه ترس از تلف جانی را نه تنها موجب مرجوحیت زیارت نمیداند عامل بیشتر شدن ثواب به شمار می‌آورد با آنکه حج هم در صورت خوف دیگر واجب نیست و واجبات در صورت خوف، به عنوان ثانوی وجوبشان برداشته میشود یا برایشان بدل و عدل گذاشته میشود و تنها عنوان ثانوی که بالاتفاق به نحوی موجب جواز ترک واجب مأموریه میشود که در صورت انجام واجب برخلاف واقع، نیاز به اعاده و قضاء ندارد، عنوان تقیه است. در عین حال در مورد زیارت آن حضرت، عنوان تقیه را هم موجب مرجوحیت ندانسته اند بلکه موجب ارجحیت دانسته اند!

روایت اول<sup>۳۰</sup>: به همان سندی که در روایت اول نوع پنجم گذشت: امام صادق علیه السلام در حق زوار جدشان اینگونه دعا می‌فرمود: من و برادران و زائرین قبر پدرم حسین (ع) را بیامرز، آنان که اموالشان را انفاق کرده و ابدانشان را به تعب انداخته به جهت میل و رغبت در احسان به ما و به امید آنچه در نزد توست به خاطر صلح و احسان به ما و به منظور ادخال سرور بر پیغمبرت و به جهت اجابت کردن شان فرمان ما را و به قصد وارد نمودن غیظ بر دشمنان ما... بار خدایا دشمنان ما به واسطه خروج بر ایشان آنان را مورد ملامت و سرزنش قرار دادند ولی این حرکت اعداء ایشان را از تمایل به ما باز نداشت و این اثبات آنان از باب مخالفت شان است با مخالفین ما، پس تو این صورت هائی را که حرارت آفتاب آنها را در راه محبت ما تغییر داده مورد ترحم خود قرار بده و نیز صورت هائی را که روی قبر ابی عبد الله الحسین (ع) می‌گذارند و بر می‌دارند مشمول لطف و رحمت قرار بده و رحم کن بر آن چشم هایی که از روی ترحم بر ما جاری می‌گردد و رحم کن بر آن دل‌هایی که برای ما می‌سوزد و به جزع می‌افتد و رحم کن بر آن ناله‌ها و فریادهایی که برای ما بلند می‌گردد... (ابن قولویه، ۱۳۸۱، ص ۹۷۷)<sup>۳۱</sup>

روایت دوم<sup>۳۲</sup>: به روایت قوی منقول است که حضرت امام محمد باقر (ع) به محمد بن مسلم فرمود که: آیا می‌روی به زیارت قبر امام حسین (ع)؟ گفت بلی می‌روم با ترس و بیم. فرمود که: هر چند سخت تر و دشوارتر باشد پس ثواب به قدر ترس است. و هر که در زیارت آن حضرت بترسد ایمن گرداند خدا او را در روز قیامت و برگردد از زیارت به آمرزش گناهان و سلام کنند بر او ملائکه... (کامل الزیارات، باب ۴۵ ص ۴۱۲ و علامه مجلسی، ۱۳۸۶، ص ۲۱۹)

همچنین به سند معتبر<sup>۳۳</sup> منقول است که ابن بکیر به حضرت صادق (ع) گفت که: می‌روم به زیارت حضرت امام حسین (ع) و دلم ترسان و هراسان است تا برمیگردم، از ترس خلیفه و اتباع و لشکر او. فرمود که: ای پسر بکیر، دوست نمیداری که خدا تو را ببیند که از برای ما ترسانی؟! مگر نمی‌دانی که کسی که از برای خوف ما خائف و ترسان باشد، حق تعالی او را در قیامت در سایه عرش خود جا دهد و حضرت امام حسین (ع) در زیر عرش با او سخن

<sup>۳۰</sup> عن مولانا الصادق (ع): اغفر لی و لإخوانی و زوارقبر ابی الحسین الذین أنفقوا أموالهم و أشخصوا أبدانهم رغبه فی برّنا و رجا لما عنک فی صلتنا و سرورا ادخلوه علی نبیک و اجابه منهم لامرنا و غیظاً أدخلوه علی عدونا ... اللهم إن اعداونا عابوا علیهم بخروجهم فلم ینهمم ذلک عن الشخوص إلینا خلافا منهم علی من خالفنا فارحم تلک الوجوه الّتی غیرتها الشمس و ارحم تلک الحدود الّتی تتقلّب علی حضره ابی عبد الله الحسین (ع) و ارحم تلک الاعین الّتی جرت دموعها رحمه لنا و ارحم تلک القلوب الّتی جزعت و احتزقت لنا و ارحم تلک الصرّخه الّتی کانت لنا

<sup>۳۱</sup> بررسی سندی این روایت و اثبات وثاقت رجال آن در نوع اول روایات گذشت.

<sup>۳۲</sup> قال: قال لی أبو جعفر محمد بن علی (ع) هل تأتي قبر الحسین (ع) قلت نعم علی خوف و وجل فقال ما کان من هذا أشدّ فالثواب فیہ علی قدر الخوف و من خاف فی إتیانه أمن الله روعته یوم القیامه یوم یقوم الناس لرّب العالمین و انصرف بالمغفره و سلّمت علیه الملائکه و ...

<sup>۳۳</sup> عن ابی عبد الله (ع) قال قلت له إنی أنزل الأرجان و قلبی ینازعنی ألی قبر أبیک فإذا خرجت فقلبی وجلّ مشفقٌ حتّی أرجع خوفاً من السلطان و السّما و اصحاب المسالک فقال یا ابن بکیر أما تحبّ أن یراک الله فینا خائفاً اما تعلم أنه من خاف لخوفنا أظله الله فی ظلّ عرشه و کان محدّثه الحسین (ع) تحت العرش و آمنه الله من أفزاع یوم القیامه یفزع الناس ولا یفزع فان فزع وقرّته الملائکه و سکنت قلبه بالبشاره.

گوید و او را حق تعالی ایمن گرداند از ترس های روز قیامت ، که مردم ترسند و او نترسد ؛ و اگر ترسد ملائکه او را بشارت دهند و ترسش را زائل گردانند. (علامه مجلسی، ۱۳۸۶، ص ۲۱۹، ابن قولویه، ۱۳۸۱، باب ۴۵، ص ۴۰۹)

در روایت دیگری<sup>۳۴</sup> معاویه بن وهب از حضرت ابی عبد الله (ع) نقل کرده، امام (ع) فرمودند : ای معاویه به خاطر ترس و خوف زیارت امام حسین (ع) را ترک مکن زیرا کسی که آن را ترک کند چنان حسرتی بخورد که آرزو کند قبر آن حضرت نزدش باشد و بتواند زیاد به زیارتش برود آیا دوست داری که خدا تو را درزمره کسانی ببیند که حضرت رسول(ص) و حضرات علی و فاطمه وائمه (ع) در حق شان دعا فرموده اند....(ابن قولویه، ۱۳۸۱، باب ۴۰، ص ۳۸۳) نزدیک به همین الفاظ با سند دیگر در همین باب کتاب کامل زیارت ذکر شده.

روایات دیگری نیز در این باب وجود دارد که نشان می دهد نه تنها خوف در مسیر زیارت مانع زیارت آن حضرت نمی گردد بلکه هر چه شرایط سخت تر و ترس در راه بیشتر باشد، اجر و پاداش آن نیز بیشتر خواهد بود.

### نوع نهم روایات : روایات متضمن نهی از ترک زیارت

نهی در این روایات نه به این دلیل است که با ترک زیارت از آثار دنیوی مثل طول عمر و وسعت رزق و خیرات دیگر در دنیا محروم می شود، تا گفته شود نهی ارشادی بوده به ترک آنچه که موجب حرمان از خوشبختی در دنیا است یا نهی تنزیهی دال بر کراهت است ، بلکه تارک زیارت را از شقاوت اخروی ترسانده و زیارت را موجب عاقبت به خیری و سعادت اخروی دانسته و این جز با نهی تحریمی سازگار نیست.

در ضمن روایت دوم نوع دوم از قول امام صادق آمده بود: "یا عبد الملک لاتدع زیاره الحسین بن علی و مر اصحابک بذلک" مضمون این تعبیر در روایات دیگر با الفاظ دیگری نیز آمده. امام صادق (ع) به رفاعه میفرماید: لاتدع زیاره قبر الحسین ابدًا. (حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۴، ص ۴۶۳ و شیخ طوسی، ۱۴۱۷، ص ۶۵۹) در حدیث دیگری امام صادق علیه السلام می فرماید: زوروا کربلا و لاتقطعوه فان خیر اولاد الانبیاء ضمّنته ؛ کربلا را زیارت کنید آن را ترک نکنید که این سرزمین، بهترین فرزندان انبیاء را در خود گرفته.(شیخ طوسی، ۱۴۱۷، ص ۸۱۵) در برخی روایات نیز از ترک زیارت تعبیر به جفای به آن حضرت شده و از آن نهی نموده اند. امام کاظم علیه السلام فرمودند: لاتجفوه؛ با ترک زیارت امام حسین به وی جفا مکنید. (ابن قولویه، ۱۳۸۱، باب ۹۸، ص ۸۹۰). عن حنان بن سدیر عن ابی عبدالله علیه السلام قال: ما تقول فی زیاره قبر الحسین علیه السلام؟ فقال: زره و لا تجفّه فانه سید الشهداء و سید شباب اهل الجنه و ... (ابن قولویه، ۱۳۸۱، باب ۹۷، ص ۸۷۸). عن الفضیل بن یسار قال، قال ابو عبدالله علیه السلام: ما اجفاکم یا فضیل لا تزورون الحسین علیه السلام؟! اما علمت ان اربعة آلاف ملک شعئا غیرا یبکن الی یوم القیامه (ابن قولویه، ۱۳۸۱، باب ۹۷، ص ۸۸۱) در روایتی دیگر<sup>۳۵</sup> علی بن ابی حمزه نقل کرده که وی گفت : راجع به زیارت قبر حضرت حسین بن علی (ع) از عبد صالح پرسیدم؟ حضرت فرمودند: دوست ندارم آن را ترک کنی.(ابن قولویه، ۱۳۸۱، باب ۸۱، ص ۷۵۷)<sup>۳۶</sup>

<sup>۳۴</sup> به همان سند حدیث قبلی : عن ابی عبد الله (ع) یا معاویه ! لاتدع زیاره قبر الحسین (ع) لخوف فان من ترکه رأی من الحسره ما یتمنی ان قبره کان عنده ، أما تحب ان یری الله شخصک و سوادک فی من یدعوله رسول الله و علی و فاطمه و الأئمه (ص) ؟ ...

<sup>۳۵</sup> حدّثنی ابی و محمّد بن الحسن عن الحسین بن الحسن بن أبان عن الحسین بن سعید عن القاسم بن محمّد الجوهري عن علی بن ابی حمزه قال : سئل العبد الصالح عن زیاره قبر الحسین بن علی (ع) فقال ما احبّ لک ترکه ...

<sup>۳۶</sup> بررسی سند روایت : محمّد بن قولویه : إكثار نقل این قولویه از او شکی در وثاقتش باقی نمیگذارد . (خوئی، ۱۳۷۲، ج ۱۵، ص ۱۷۰ و ج ۱۷، ص ۱۶۷ و ج ۲۳، ص ۱۳۳ و ۱۴۱) . محمّد بن الحسن بن الولید : از بزرگان شیعه و موثق است . (نجاشی، ۱۴۰۷، ق، ص ۳۸۳) . حسین بن حسن ابان : علاوه بر اینکه از رجال کامل الزیارات است چند وجه دیگر بر وثاقتش میباشد : الف) توثیق ابن داوود ، رجالی بزرگ . ب) توثیق علامه (خوئی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۲۱۲) . حسین بن سعید : از رجال تفسیر قمی و کثیر الحدیث است و شیخ الطائفه او را توثیق فرموده است. (خوئی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۲۴۳ - ۲۶۵) . قاسم بن محمّد الجوهري : ابن ابی عمیر و صفوان بن یحیی از او روایت کرده اند پس به شهادت شیخ الطائفه وثاقتش ثابت می شود . (شیخ طوسی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۳۸۶) . علی بن ابی حمزه البطائی : ابن ابی عمیر و صفوان و بنظری از او روایت کرده اند پس وثاقتش مثل قاسم بن محمّد

بررسی دلالت روایت: محبوب نبودن ترک زیارت جز با وجوب زیارت سازگار نیست چون تکالیف تابع حسن و قبح اعمالند و عمل غیر محبوب معصوم نمی تواند جایز باشد مگر اینکه قرینه ای بر جواز ترک آن باشد که ترک آن عمل حمل بر کراهت شود، با آن که به هیچ وجه نسبت به کسی که عذر موجهی ندارد، هیچ گونه دلیلی بر جواز ترک زیارت نداریم. مخصوصاً که نهی از ترک زیارت علاوه بر تعبیر "لا احب" با تعبیر دیگری در سایر روایات مانند تعبیر ذیل تاکید شده: "لا تدع"، "لا تقطعوا"، "لا تحفوا"، "لا ینبغی" که مورد اخیر در روایات نوع دهم مورد تبیین قرار خواهد گرفت.

### نوع دهم روایات: روایات متضمن نهی از ترک زیارت در پیش از بازه های مختلف زمانی

در روایات معتبری عمرکی به اسنادش نقل کرده<sup>۳۷</sup> حضرت ابوعبدالله (ع) فرمودند: چهارهزار فرشته از طلوع صبح تا غروب آفتاب نزدیک قبر حضرت امام حسین (ع) دعاء و طلب رحمت کرده و سپس بالارفته و چهارهزار فرشته دیگر به جای ایشان قرار گرفته و تا طلوع صبح دعاء و طلب رحمت میکنند. پس بر مسلمان سزاوار نیست که بیش از چهار سال به زیارت قبر آن حضرت نرفته و از آن تخلف کند. (ابن قولویه، ۱۳۸۱، ص ۸۹۸)<sup>۳۸</sup>

مدلول روایت: "لا ینبغی" در الفاظ کتاب و سنت دو معنی دارد: یک معنای تکوینی و یک معنای تشریحی.

۱. معنای تکوینی: آن نیکو نبودن و قبیح بودن و ممکن و میسر نبودن است.  
 اما در قرآن کریم: "ما ینبغی للرحمن أن یتخذ ولداً" فرزند داشتن باری تعالی ممکن نیست (چون مستلزم نیاز و ... است و قبیح است). (مریم / ۹۲). اما در سنت: "و إنه لا ینبغی لمن عرف عظمه الله أن یتعظم" کسی که معرفت به عظمت الهی داشته باشد ممکن نیست خود را بزرگ بداند. (نهج البلاغه، خطبه ۳۲)

۲. معنای تشریحی: آن مطلوب نبودن و جایز نبودن انجام فعل است به دلیل قبح آن فعل.  
 اما در قرآن کریم: "قالوا سبحانک ما کان ینبغی لنا أن نتخذ من دونک من اولیاء" در روز قیامت معبود های باطل لب به سخن می گشایند و عرض میکنند: پروردگارا تو منزهی (از شریک) برای ما جایز نیست و قبیح است که غیر تو را ولی و معبود بگیریم. (فرقان / ۱۸). اما در سنت: "عن زرارہ علیہ الرحمہ قال: قلت له: أخبرنی عن حد الوجه الذی ینبغی له أن یوضأ الذی قال الله عزوجل؟ فقال علیہ السلام: الوجه الذی أمر الله تعالی بغسله الذی لا ینبغی لأحد أن یزید علیہ و لا ینقص منه ان زاد علیہ یؤجر و ان نقص منه أثم: ما دارت علیہ السبابه و الوسطی و الإبهام من قصاص الرأس إلى الذقن و ما جرت علیہ الاصبغان من الوجه....." (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۲۷ و ۲۸)

در این حدیث امام علیه السلام در تعیین آن مقدار از صورت که در وضو باید شسته شود تعبیر می فرماید به "لا ینبغی" برای کسی که به آن بیافزاد یا از آن بکاهد. بی شک در اینجا "ینبغی" به معنای مطلوب بودن به نحو وجوب و "لا ینبغی" به معنای حرمت است که گناه را در پی دارد.

معنای شرعی ابتدائی "لا ینبغی" مطلوب نبودن و جایز نبودن است، اگر چه با قرینه می تواند به معنای کراهت هم به کار برده شود. اما اینکه "لا ینبغی" به معنای کراهت استعمال می شود، یک اصطلاح فقهی است که بین فقها رایج است، بنابراین ظهور روایت مورد بحث در عدم جواز ترک زیارت، بیش از چهار سال ثابت می شود. موبد این معنا روایت دیگری است (ابن قولویه، ۱۳۸۱، باب ۹۸، ص ۸۹۹) که در آن از تعبیر "ماجاز؛ جایز نیست" استفاده

جوهری ثابت می شود و از رجال تفسیر قمی است و چون روایتش قبل از واقفی شدنش است پس ضرری به روایتش وارد نمی شود، چنان که شیخ الطائفه فرمود که اصحاب به روایتش عمل کرده اند. (خوئی، ۱۳۷۲، ج ۱۱، ص ۲۲۵ و ۲۲۶). در کافی شریف نیز روایتی به همین مضمون وارد شده است. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۵۸۲)

<sup>۳۷</sup> با همان سندی که در روایت اول از نوع چهارم گذشت: قال العمرکی یاسناده قال قال ابوعبدالله إنه یصلی عند قبر الحسین (ع) أربعه آلاف ملک من طلوع الفجر إلى أن تغیب الشمس ثم یصعدون و ینزل مثلهم فیصلون إلى طلوع الفجر فلا ینبغی للمسلم أن یتخلف عن زیاره قبره أكثر من أربع سنین.

<sup>۳۸</sup> روایت بعدی در کتاب کامل زیارت نیز به همین مضمون است.

شده. قابل ذکر است که در احادیث دیگر اقل زمان فاصل میان دو زیارت را برای شخص دور، سه سال و برای شخص نزدیک، یک ماه ذکر نموده.

از صفوان منقول است که گفت: در خدمت حضرت صادق (ع) بودم، پس عرض کردم: کسی که به زیارت آن حضرت بیاید و برگردد دیگر کی باید به زیارت باز گردد و هر چند روز باید رفت و چندگاه گنجایش دارد زیارت آن حضرت را ترک نمود؟ فرمود که: اما نزدیک، پس زیاده از یک ماه باید ترک زیارت نکند. و کسی که خانه اش دور باشد، هر سه سال یک مرتبه باید به زیارت برود؛ که اگر زیاده از سه سال ترک کند بی عذری و علتی، عاقبت حضرت رسول (ص) می شود مگر اینکه عذری داشته باشد<sup>۳۹</sup> (کامل الزیارات، باب ۹۸، ص ۸۹۹).

در برخی روایات دیگر برای شخص غنی، دو بار در سال و برای فقیر یکبار در سال زیارت آن حضرت را لازم دانسته (کامل الزیارات، باب ۹۸، ص ۸۹۰) این احادیث نشان می دهد توقع حضرات معصومین علیهم السلام بر تکرار و دوام زیارت آن حضرت بوده نه فقط انجام یکبار آن چنانچه از عبارتی چون "لا تقطعوا" استفاده می گردد و نیز روایاتی که مرحوم ابن قولویه در باب ۹۸ کتاب کامل زیارات تحت این عنوان آورده: "اقل ما یزار فیه الحسین علیه السلام واکثر ما یجوز تاخیر زیارته الغنی و الفقیر؛ کمترین زمانی که در آن باید امام حسین زیارت شود و بیشترین زمانی که غنی و فقیر می توانند در زیارت وی تاخیر اعمال نمایند". لذا این روایات به طریق اولی اصل وجوب زیارت آن حضرت و لا اقل یکبار در طول عمر را اثبات می نماید.

### نتیجه بررسی دلالتی احادیث ده گانه<sup>۴۰</sup>

در علم اصول در جای خود مطرح شده است که هرگاه امر به فعلی شود و از طرفی رخصت ترک آن در شرایط عادی داده نشود دلالت بر وجوب آن فعل دارد و هرگاه نصّ و بلکه ظاهر بلامعارض باشد حجّت می باشد. زیارت سیدالشهداء (ع) هم مصداق همین مسئله است به طوریکه در روایات متعدد به صراحت امر به انجام زیارت آن حضرت و نهی از ترک آن شده است. لذا برخی از اجلاء علماء همچون مرحوم ابن قولویه و شیخ مفید و شیخ حر عاملی در کتب روایی خود مسئله وجوب زیارت ابا عبد الله (ع) را پذیرفته اند. برخی دیگر از بزرگان علما نیز ضمن

<sup>۳۹</sup> قال سألت أبا عبد الله (ع) ... قلت له فمن يأتيه زائراً ثم ينصرف فمتى يعود إليه و في كم يوم يؤتى و في كم يسع الناس تركه قال أما القريب فلا أقل من شهرٍ و أما بعيد الدار ففي كل ثلاث سنين فما جاز الثلاث سنين فقد عفى رسول الله (ص) و قطع رحمه إلاً من عله ...

<sup>۴۰</sup> نتیجه بررسی سندی احادیث ده گانه وجوب زیارت امام حسین (ع): شکی در تواتر اجمالی رجحان و بلکه وجوب زیارت نیست یعنی از زمان معصومین تا مرحوم ابن قولویه در همه طبقات، آنقدر این مطلب نقل شده است که برای ما یقین به عدم تواطئ و همدستی بر کذب حاصل میشود و اجمالاً اصل رجحان بلکه وجوب برای ما یقینی است و چون تواتر مفید علم است و حجت می باشد پس نیاز به بحث از سند یک روایت نیست. علی التنزل که تواتر را قبول نکنیم و یقین را نادیده بگیریم نوبت میرسد به بحث از سند روایات و از آنجایی که به سیره قطعیه عقلائی که متصل به زمان معصوم بوده و قطعاً مورد امضاء و تأییدشان بوده، حجیت خبر واحد ثقه ثابت شده است، پس یک روایت ثقه هم برای اثبات مدعا کافی است چنان که در مهم ترین مباحث فقهی با یک صحیح یا موثقه واجبات و محرّمات ثابت می شود: در اینجا باید گفت: وثاقت راوی یا از جهت توثیق عام ثابت میشود یا از جهت توثیق خاص. بنابر آنچه مرحوم ابن قولویه در مقدمه کامل الزیارات فرموده وثاقت همه راویان مذکور در این کتاب ثابت میشود، زیرا ایشان فرموده که همه روایاتی را که ذکر کردم از طریق افراد ثقه از ائمه صلوات الله علیهم به من رسیده و این توثیق عام ایشان نسبت به راویان مذکور در کتاب است، جز در موردی که تصریح به ضعف راوی ای در کتاب رجالی معتبری شده باشد که ۱۴ نفر میباشند پس در مورد آنها باید تعادل و تراجیح در رجال اعمال شود، اما نسبت به ۶۶۷ نفر مابقی، توثیق عام جاری است.

از آنجا که توثیق عام ابن قولویه نسبت به روایاتی است که واسطه بین او و ائمه صلوات الله علیهم هستند و برخی افراد معدودی که توسط رجالیون تضعیف شده اند در سند روایاتی است که منتهی به معصوم نمیشود. و از طرفی تمامی روایات مورد استفاده در این تحقیق منتهی به حضرات معصومین علیهم السلام میشود، از این حیث نیز ضعفی بر اسناد روایات مورد استناد و راویان آن وارد نمیشود و در نتیجه اعتبار روایات مورد استناد ثابت میگردد. علی التنزل که ما از مراحل قبلی چشم پوشی کنیم نوبت می رسد به توثیقات خاص یا عام غیر از توثیق ابن قولویه که باید در تک تک روایات جداگانه بحث شود. که تک تک راویان احادیث در طول بحث مورد بررسی رجالی قرار گرفت و صحت تمامی احادیث مورد استناد ثابت گشت و اگر سند حدیثی ذکر نشد چون از باب موید مورد استفاده قرار گرفته بود نه به عنوان دلیل مستقل. به دین ترتیب هیچ اشکالی در جهت سندی بحث باقی نمی ماند



اذعان به حکم وجوب زیارت آن حضرت وقتی معارض ظاهری بر این مسئله نیافته‌اند تنها چیزی را که مانع از فتوای صریح به وجوب زیارت بیان داشته‌اند شهرت است. مرحوم علامه مجلسی در این رابطه میفرماید: از اکثر احادیث سابقه (احادیث دال بر وجوب) ظاهر میشود زیارت امام حسین علیه السلام واجب میباشد و معارض ظاهری هم ندارد لیکن مشهور میان علما آن است که این زیارت سنت مؤکد است. و به حسب احادیث، وجوب زیارت آن حضرت در عمر یکبار نهایت قوت را دارد و شیعه ای که بر این تأکیدات و تهدیدات مطلع شود و با داشتن قدرت ترک کند در نهایت ضعف ایمان خواهد بود و طبق احادیث، حق امام را رعایت نکرده است و رسول الله (ص) را عاق نموده. (علامه مجلسی، ۱۳۸۶، ص ۲۲۱ و ۲۲۲) اما پر واضح است که شهرت فتوایی یارای معارضه با ظاهر روایات صحیح السند و متعدد را نخواهد داشت تا چه رسد به معارضه با روایاتی که نص در وجوب زیارت آن حضرت اند و در آنها به فریضه و واجب بودن زیارت آن حضرت تصریح شده است.<sup>۴۱</sup>

### دفع استبعاد

بدون شک رفتن به زیارت امام حسین (ع) از مصادیق عمل به آیه مؤدّت (شوری / ۲۳) است حال چگونه می شود که تنها اجر رسالت نبی مکرم اسلام (ص) مستحب باشد؟! چگونه می شود عملی که مصداق بارز مؤدّت و محبت اهل بیت (ع) است مستحب باشد در حالیکه محبت اهل بیت (ع) اساس اسلام است. قال رسول الله صل الله علیه و آله: اساس الإسلام حبی و حب اهل بیته (متقی هندی، ۱۴۰۹، ج ۶ ص ۲۱۸) و حقیقت دین چیزی جز محبت اهل بیت نیست. قال الباقر علیه السلام: هل الدین إلا الحب؟ ..... الدین هو الحب و الحب هو الدین (عروسی حویزی، ۱۳۸۲، ج ۵، ص ۲۸۵) چگونه واجب نباشد آنچه که مصداق بارز موالات اهل بیت علیهم السلام است در حالیکه به واسطه ولایت آنها سایر اعمال واجب پذیرفته می گردد بموالاتکم تقبل الطاعة المفترضة و لکم الموده الواجبه (شیخ صدوق، بی تا، ج ۳، ص ۵۵۲) و ولایت آنها رکن رکن پنجگانه اسلام و اهم سایر ارکان است و پذیرش ارکان دیگر منوط به آن. قال الصادق علیه السلام: بنی الإسلام علی خمسہ الأشياء علی الصلاه و الزکاه و الحجّ و الصّم و الولایه. قال زراره فقلت: و ای شیء من ذلك أفضل؟ فقال: الولایه أفضل لآنها مفتاحهنّ، و الولای (امام علیه السلام) هو الدلیل علیهنّ. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۳۰) لذا محلی برای بعید دانستن وجوب این زیارت باقی نمی ماند.

### آثار حقوقی مترتب بر حکم وجوب زیارت

پس از اثبات این موضوع که زیارت آنحضرت مافوق یک امر مستحب عادی و در حد فریضه می باشد می توان نتیجه گرفت از منظر حقوقی تمامی احکامی که بر واجبات شرعی در حقوق موضوعه و قوانین مدنی و جزائی بار می گردد همگی قابلیت آن را دارد که بر موضوع زیارت حضرت سیدالشهداء علیه السلام مترتب گردد. بنابراین نمیتوان عدم انجام آن را ضمن عقدی شرط نمود مثلاً یکی از زوجین ضمن عقد ازدواج نمیتواند همسر خود را از رفتن به زیارت آنحضرت منع نماید و چنین شرطی باطل است. و یا در باب قضاء قاضی باید عادل باشد و بنابراین کسی که با وجود تمام شرایط استطاعت بدون عذر نسبت به رفتن زیارت آنحضرت بی رغبتی نشان میدهد تقوایش مورد تردید و عدالتش محل مناقشه است و صلاحیت چنین منصبی را نخواهد داشت چنانچه در باب عدالت امام جماعت نیز همین شرط مطرح است. همچنین در بحث فقه حکومتی اگر میان زیارت آن حضرت با برگزاری هر کدام از احکام مستحبی یا مناسبات دیگر تراحم در احکام پیش آید بی شک زیارت آنحضرت مقدم خواهد بود<sup>۴۲</sup> و

<sup>۴۱</sup> به عنوان مثال اگر میان خواندن نماز اول وقت هنگام انجام زیارت تراحم ایجاد شد اتمام زیارت اولی و مقدم است اگرچه در میان عوام به اشتباه رایج شده که باید زیارت را رها نموده و نماز در اول را انجام داد به این استدلال که نماز اول وقت واجب و زیارت مستحب است اما در این استدلال بلکه سخن، مغالطه ای آشکار است زیرا اولاً نماز اول وقت واجب نیست بلکه مستحب است و آنچه واجب است اصل اقامه نماز است که آن را با تاخیر

نظام، دولت و تمامی دستگاه های اجرایی موظف به ایجاد بسترهای لازم جهت تسهیل انجام این فریضه موکد است و در صورت هر گونه کوتاهی و اهمال و یا ممانعت چه بسا مصداق ((صاد عن سبیل الله)) گردد.

### نتیجه

بررسی سندی و دلالتی روایات باب زیارت امام حسین (ع) به وضوح حکم زیارت ایشان را روشن می سازد، از جهت سندی این احادیث در اصول کتب شیعه و با اسنادی که بر اساس مبانی رجالین شیعه صحیح و موثوق الصدور می باشند به طوریکه طرق این احادیث مستفیض بلکه متواترند و از جهت متنی نیز به صراحت از الفاظ وجوب و فرض در مورد حکم زیارت آنحضرت استفاده فرموده اند و به کرات به زیارت ابا عبد الله (ع) امر فرموده اند و از ترک آن نهی کرده و رخصت به ترک نداده اند، دیگر جای هیچ تردید و شبهه ای در تعیین حکم وجوب زیارت آن عالی مقام باقی نمی ماند مگر استبعاد که جهتش کمی معرفت به ساحت قدسی ایشان است و به نظر میرسد اینکه کمتر فقها به وجوب این زیارت تصریح نموده اند اولاً به جهت خوف تکفیر مخالفین و معاندین مذهب از جمله نواصب بوده است. ثانیاً به جهت اینکه اساساً به زیارت و ادله آن در باب مندوبات می نگریسته اند و ادله آن را از باب تسامح در ادله سنن دانسته لذا چندان به دقت نظر نمی گرفته اند. در هر حال حکم وجوب زیارت آنحضرت چنان قطعی و مستدل است که هر فقیهی با هر مبنائی که داشته باشد توان رد ادله آن را نخواهد داشت. چنانکه با داشتن عشری از این ادله، فقها بر حلال و حرام فتوا صادر می نمایند.

علاوه بر ادله نقلی، عقل نیز حکم وجوب زیارت آنحضرت را تأیید می نماید. سید الشهداء (ع) در زمان یزیدی می زیست که کلمه توحید در دوره او به سان انسان مرده جان از بدن جدائی بود که جز ظاهر و اسم و رسم، چیزی از حقیقت و معنا و حیات بخشی اش باقی نمانده بود، آنحضرت با حرکت و قربانی کردن خود، خونس را در پیکره بی جان توحید جاری نمود و دوباره به این کلمه طیبه، حیات بخشید لذا شد ثار الله و اگر نبود وجود شریف و کار عظیمش، زحمات انبیاء و اوصیاء گذشته بر باد رفته بود و آیندگان نیز از دیانت واقعی و هدایت حقیقی که شناخت و تبعیت از ولایت امیرالمومنین علی بن ابی طالب علیه السلام است بی بهره می گشتند، لذا حق حیات، بر تمامی بندگان خدا پیدا نمود و شد ابا عبد الله و از آنجا که عقل، شکر منعم را واجب می داند شکر گزاری از حضرتش واجب شده بر این اساس بر تمامی عباد الله واجب است حق شکرش را به جا آورند و خدمتش رسند و سلامش دهند و

هم میتوان انجام داد چنانچه چه بسا در غیر تراحم با زیارت نیز بدون هیچ اشکالی نماز را در غیر وقت فضیلت خود بجا می آورند ثانیاً با آنچه در این مقاله گذشت روشن شد حکم زیارت فوق استحباب است و حتی اگر مستحب هم باشد مستحب موکدی است که هیچ مستحبی با آن در فضیلت برابری نمیکند و بنابراین نمیتواند بر آن مقدم گردد ثالثاً فضیلت نماز در اول وقت خود زمانی است که بدون معارض و مانع باشد و مستلزم مفسده ای نباشد اما در صورتیکه رها کردن زیارت امام معصوم علیه السلام از نیمه، مصداق بی احترامی و نوعی بی ادبی به شمار آید چنانچه انسان چنین رفتاری را با اشخاص عادی نیز اسائه ادب میدانند دیگر جای فضیلتی باقی نمی ماند. عجیب تر از آن سخن عوام، استدلال آنها است مبنی بر اینکه خود امام حسین علیه السلام برای نماز شهید شده اند! لازمه این سخن این است که امام و امامت که اصل مذهب است فدای فرع آن که نماز است شود. چگونه میتوان چنین خلاف حکمتی را به معصوم نسبت داد؟ و حال آنکه اگر جنگ امام برای نماز بود سپاه مقابل نیز نماز میگزارد پس جنگ با آنها بی معنا بود! آنچه امام علیه السلام به خاطر آن خون قلبش را در راه خدا داد نجات عباد از جهالت و حیرت گمراهی بود که با شناختن امام زمانشان و جایگزینی غیر معصوم به جای معصوم دچارش شده بودند چنانچه شمر در توجیه قتل آنحضرت خود را موظف به اطاعت از ولی امر میدانست! بنابراین شهادت آنحضرت در راه برپایی اصل دین و اقامه آن همان دینی که خدا آن را پسندیده و از آن راضی شده بود یعنی ولایت امیرمومنان علی علیه السلام بود همانکه به خاطر انحراف از مسیر آن بعد از پیامبر کار امت رسول خاتم را به جایی کشاند که تنها فرزند آنحضرت و سید جوانان اهل بهشت را تقریباً الی الله به قتل رساندند همانکه به جرم بغض و کینه او حسین علیه السلام را کشتند و همانکه امام زین العابدین علیه السلام در مقابل یزید وقتی که یزید خواست با گفتن اذان توسط مؤذن سخن امام را قطع کند و جلوی بیان حق و افشاگری توسط علی بن الحسین را بگیرد آنحضرت اذان مؤذن را قطع نمود و در میان کلمات اذان نیز به بیان حقانیت دین جدش یعنی مکتب اهل بیت پرداخت و این مهم را حتی از اذان گفتن اهم دانست.

عرض قدردانی و مساوات و همراهی قلبی و بدنی و دوستی با دوستان و دشمنی با دشمنانش کند و در یک کلام زیارتش نمایند.

بیان دیگر در تأیید عقلی حکم وجوب زیارت آنحضرت این است که به اجماع فحول و بزرگان مذهب، تمامی فرائض و حدود الهی به برکت شعائر حسینی زنده است و هر چه داریم از حسین (ع) است و تضعیف و خلال در شعائر حسینی، تضعیف و خلل در اساس مذهب و به حکم شکستن پشت خاتم انبیاء و خاموش کردن نور خدا است و بدون شک از اهم شعائر حسینی (ع)، زیارت آن حضرت آن هم از نزدیک و تشریف به آستان مقدس وی می باشد. حال کدامین عقل میپذیرد آنچه که اصول و فروع دین و تمامی واجبات و محرمات وابسته به آن است خود مستحب باشد؟! این عقل سلیم است که حکم می کند واجب واجبات باشد.

## منابع

### قرآن کریم

### نهج البلاغه

- ۱) آل عصفور، شیخ حسین، (۱۴۲۱ق)، سدادالعباد و رشاد العباد، چاپ اول، ناشر المحلاتی، قم.
- ۲) ابن فارس، احد بن فارس، (۱۹۷۹م)، معجم مقاییس اللغة، دارالفکر، بیروت.
- ۳) ابن قولویه، جعفر بن محمد، (۱۳۸۱ ش)، کامل الزیارات، انتشارات گنجینه ذهنی، قم.
- ۳) اصطهباناتی، محمد حسین، (۱۴۳۲ق)، نورالعین فی المشی الی الحسین، چاپ اول، موسسه الرافد للمطبوعات، قم.
- ۴) بحرانی، یوسف، (۱۴۰۵ ق)، الحدائق الناضره، موسسه النشر الاسلامی، قم.
- ۵) بهبودی، محمدباقر، (۱۳۷۰ ش)، علم رجال و مساله توثیق، مجله کیهان فرهنگی، سال هشتم، شماره ۸.
- ۶) حرّ عاملی، شیخ ابو جعفر، (۱۴۱۴ ق)، وسائل الشیعه، انتشارات آل البيت، قم.
- ۷) حرّ عاملی، شیخ ابو جعفر محمد بن حسن، (۱۴۱۲ق)، هدایه الامه الی احکام الائمه، مجمع البحوث الاسلامیه، مشهد.
- ۸) خوئی، ابوالقاسم، (۱۳۷۲ ش)، معجم الرجال، انتشارات الثقافه الاسلامیه، قم.
- ۹) خوئی، ابوالقاسم، (۱۴۱۵ ق)، محاضرات فی اصول فقه، انتشارات مؤسسه احیاء آثار امام خوئی، قم.
- ۱۰) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲)، المفردات فی غریب القرآن، دارالشامیه، بیروت.
- ۱۱) سبحانی، جعفر، (۱۴۲۳ ق)، کلیات فی علم الرجال، چاپ پنجم، موسسه نشر اسلامی.
- ۱۲) شهیدثانی، زین الدین الجبعی العاملی، (۱۳۷۵ ش)، الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیه، چاپ سوم، موسسه اسماعیلیان، قم.
- ۱۳) شیخ صدوق، ابو جعفر محمد، (بی تا)، من لایحضره الفقیه، انتشارات الأضواء، بیروت.
- ۱۴) شیخ صدوق، ابو جعفر محمد، (۱۴۰۵ ق)، امالی، انتشارات مؤسسه بعثت، قم.
- ۱۵) شیخ صدوق، ابو جعفر محمد، (۱۴۱۷ ق)، ثواب الأعمال، انتشارات ارمغان طوبی، تهران.
- ۱۶) شیخ طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۱۷ ق)، عده الاصول، انتشارات علاقبندیان، قم.
- ۱۷) شیخ طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۱۷ ق)، تهذیب الاحکام، انتشارات صدوق، تهران.
- ۱۸) شیخ طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۱۱ ق)، مصباح المجتهد، مؤسسه فقه الشیعه، بیروت.
- ۱۹) شیخ طوسی، محمد بن حسن، (۱۲۷۱ق)، الفهرست، مکتب الرتضویه، نجف اشرف.
- ۲۰) شیخ مفید، محمد بن نعمان العکبری، (۱۴۰۹ ق)، المزار، انتشارات مدرسه امام هادی، قم.

## بررسی حکم فقهی زیارت امام حسین علیه السلام، مبانی و آثار حقوقی مترتب بر آن / ۲۰۲

- (۲۱) شیخ مفید، محمد بن نعمان العکبری، (۱۴۱۴ ق)، الارشاد فی معرفه حجج الله العباد، چاپ دوم، موسسه آل البيت.
- (۲۲) طباطبائی، سیدعلی، (بی تا)، ریاض المسائل، چاپ اول، جامعه مدرسین، قم.
- (۲۳) طریحی، فخرالدین، (۱۳۷۵)، مجمع البحرین، مرتضوی، تهران.
- (۲۴) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، (۱۳۸۲ ش)، نور الثقلین، چاپ اول، انتشارات دارالتفسیر، قم.
- (۲۵) عراقی، شیخ عبدالنبی، (۱۴۲۸ ق)، الكنز الخفی، چاپ اول، شریعت قم.
- (۲۶) علامه حلّی، حسن بن یوسف، تذکره الفقهاء، چاپ اول، موسسه آل البيت، ستاره قم.
- (۲۷) علامه حلّی، حسن بن یوسف، (۱۴۱۴ ق)، منتهی المطلب، چاپ اول، نشر آستان قدس رضوی، مشهد.
- (۲۸) علامه مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳ ق)، بحار الانوار، دار احیاء التراث العربی.
- (۲۹) علامه مجلسی، محمد باقر، (۱۳۸۶ ش)، تحفه الزائر، انتشارات پیام امام هادی، قم.
- (۳۰) کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ ق)، الکافی، انتشارات اسلامیة، تهران.
- (۳۱) مجلسی، محمد تقی، (۱۴۰۶ ق)، روضه المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه، موسسه الثقافه الاسلامیه، قم.
- (۳۲) متقی هندی، علی بن حسام الدین، (۱۴۰۹ ق)، کنز العمال، موسسه الرساله، بیروت.
- (۳۳) مهدی پور، علی اکبر، (۱۳۹۲ ش)، نبراس الزائر فی زیارت الحائر، انتشارات رسالت، قم.
- (۳۴) نجفی، شیخ محمد حسن، (۱۴۱۲ ق)، جواهر الکلام، چاپ اول، دارالمورخ العربی، بیروت.
- (۳۵) نجاشی، احمد بن علی، (۱۴۰۷ ق)، رجال نجاشی، انتشارات جامعه مدرسین، قم.
- (۳۶) نمازی شاهرودی، علی، (۱۴۱۵ ق)، مستدرکات علم رجال، ناشر فرزند مؤلف، تهران.
- (۳۷) نوری، میرزا حسین طبرسی، (۱۴۰۸ ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، چاپ اول، موسسه آل البيت.

***Jurisprudential ruling on the pilgrimage of Imam Hussein (as) and its legal effects<sup>43</sup>***

*Seyed Ali Rabbani Mousaviyan<sup>44</sup>*

***Abstract***

*Ziyāra (pilgrimage) has been for long discussed in muslims` scientific and theological societies. Among all ziyāras (pilgrimages), Sayyid-al - Shuhadā`s Ziyāra (pilgrimage) is of such a special importance that his Ziyāra (pilgrimage) has been specifically recommend by Imams. Numerous riwāyats (narrations) are there about the virtues of Imam Husayn`s Ziyāra (pilgrimage) which have emphasized on his Ziyāra (pilgrimage). In Islam, Ziyāra (pilgrimage) of no other person, even the other Infallibles has received such an emphasis. The specialities of Imam Husayn`s Ziyāra (pilgrimage) in the Infallibles` words and the mutawatir riwāyats (unbroken chain of transmission of the narrations) about the virtues of his Ziyāra (pilgrimage) motivated us to conduct the present study, through taking notes, and do a thorough review on the most important and reliable Shi'a riwāyat (narrative) resource, i.e. Kamil al-ziyarat by Ibn Qulawayh, Al-Shaykh al-Mufid`s teacher. Looking at other resources such as Zad al-ma'ad by al-'Allama al-Majlisi, we extracted riwāyats (narrations) in which there are not any weaknesses or flaws regarding chain of transmission. Hence, any faqih (jurist) or principle decreeing according to it, can't give any decree except indispensableness of Imam Husayn`s Ziyāra (pilgrimage). Then, using Rijal reviews and Usul al-fiqh principles (Islamic jurisprudence), alongside with Ijtihad evidences, we proved the indispensableness of Imam Husayn`s Ziyāra (pilgrimage).*

***Keywords:*** *Imam Husayn`s Ziyāra Kamil al-ziyarat indispensableness of Ziyāra virtues of Ziyāra Legal effects.*

---

<sup>43</sup>- Receive Date: 02 November 2021, Accept Date: 19 March 2022.

<sup>44</sup>- assistant professor at department of law & Jurisprudence, liberal arts & literature faculty, Azad Islamic University, Islamshahr, IRAN. [a.rabbani110@yahoo.com](mailto:a.rabbani110@yahoo.com)